در مسیر پیشرفت ۱

مطالبه‌گری

خلاءها
چالش‌ها
راهکارها

قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

بسم الله الرحمن الرحیم

مطالبه گری

قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

گردآورنده:

محمد صادق عبداللهی

@gharargahmelli

fesadsetiz.ir

شناسنامه

نام اثر: مطالبه گری
گردآورنده: محمد صادق عبداللهی
صفحه آرا: معین الاسوند
تیراژ: محدود
قطع: وزیری
تعداد صفحه: ۷۴
نوبت چاپ: چاپ اول - سال ۱۴۰۱
سایت: fesadsetiz.ir
شبکه‌های اجتماعی: @gharargahmelli

قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

۰۲۱-۶۶۴۰-۸۷۳۰
۰۹۳۸-۹۳۰-۲۳۵۸

هرگونه کپی برداری تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد.

فهرست

مقدمه ۵

فصل اول: مبانی مـطالبه‌گری در روایات مـعصومین و گـفتمان انـقلاب اسـلامی ۷

شئنی از شئون امر به معروف و نهی از منکر ۸

حق‌طلبی مردمی در جامعه اسلامی..... ۹

مطالبه‌گری پیش برنده آرمان‌ها و اهداف انقلاب..... ۱۱

فصل دوم: گام‌های مطالبه‌گری مطلوب ۱۴

تعیین مسئله یا موضوع مورد مطالبه..... ۱۵

تشکیل یک هسته یا تیم چند نفره..... ۱۶

مطالعه دقیق ابعاد مسئله..... ۱۹

فصل سوم: ظرایف و الزامات مطالبه‌گری ۳۵

ریل‌گذار جریان مطالبه‌گری..... ۳۹

مقدمه

مسئله مطالبه‌گری بی‌شک رکنی اساسی در نظام مردم‌سالاری دینی است. این مسئله آنقدر مهم است که همواره امامین انقلاب اسلامی از مردم خواسته‌اند که در صحنه و میدان حاضر باشند و با هوشیاری و مطالبه‌گری خود مسئولان را بر ریل‌های اصلی هدایت کنند. اما خیلی از اوقات وقتی نام این وظیفه به میان می‌آید با این پرسش از سوی جنبش‌ها و نهادهای اجتماعی مواجه می‌شویم که کسی حرف و مطالبات ما را نمی‌شنود و به آن عمل نمی‌کند. اصلی‌ترین نکته‌ای که می‌توان به این گروه‌ها گفت، ضرورت اصلاح روش‌های مطالبه‌گری است. چه بسیار دیده شده که مطالبه‌گری‌ها تنها در پرسش و بلکه فریادی بر سر فلان مسئول آن هم در حاشیه نشست و بازدیدی منحصر شده یا نهایتاً بیانیه یا نامه‌ای بوده که به مسئول مخاطب زده شده است. طبیعی است که با یک بار گفتن یا نامه زدن اتفاقی نخواهد افتاد.

از این رو بایستی نگاهی دقیق‌تر به مسئله مطالبه‌گری که همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده داشت و بلکه برای آن کلاس‌ها و دوره‌هایی برگزار کرد. در واقع باید گفت مطالبه‌گری خود همچون عملیاتی پیچیده است که بایستی ظرافت‌های بسیاری را در خصوص آن رعایت کرد. اگر قیود و گام‌هایمان را در جریان یک پروژه مطالبه‌گری به دقت انتخاب نکنیم و انجام ندهیم نه‌تنها هیچ‌گاه به هدف نمی‌رسیم بلکه ممکن است با

شکست‌های پیاپی در کنش‌گری‌های اجتماعی و سیاسی خود مواجه شویم و به انزوا کشیده شویم.

در نوشته‌ای که پیش‌رو دارید تلاش شده است پس از مروری بر مبانی مطالبه‌گری در روایات معصومین و گفتمان انقلاب اسلامی، به صورت عملیاتی مدلی برای مطالبه‌گری ارائه شود تا ان‌شاالله جوانان و دانشجویانی که دغدغه مطالبه‌گری دارند بتوانند به شکلی کارآمد به مطالبه‌گری بپردازند و تلاش‌هایشان را تا حصول به نتیجه جهت دهی نمایند.

فصل اول

مبانی مطالبه‌گری در روایات معصومین و گفتمان انقلاب اسلامی

- شئنی از شئون امر به معروف و نهی از منکر
- حق‌طلبی مردمی در جامعه اسلامی
- مطالبه‌گري پیش برنده آرمان‌ها و اهداف انقلاب

شئنی از شئون امر به معروف و نهی از منکر

مطالبه‌گری در ادبیات دینی را آنگاه که از بعد فردی خارج شده و به عرصه اجتماع کشیده می‌شود، از یک جنبه می‌توان به‌عنوان یکی از شئون امر به معروف و نهی از منکر مورد مطالعه قرار داد. اگر با این نگاه به سراغ معارف اهل بیت(ع) برویم، علاوه بر شرح کامل ابعاد موضوع، علاج بودن مطالبه‌گری بر دردهای بی‌درمان و ویرانگری فقدان آن، به وضوح و کَرّات، تبیین شده است.

به‌عنوان مثال حدیثی در باب امر به معروف و نهی از منکر از امام محمد باقر(علیه السلام) نقل شده است که تفکر در آن نشان دهنده اصل مطالبه‌گری و شگفتی‌های تأثیر آن است. حضرت می‌فرمایند: «**اِنَّ الأمْرَ بِالْمَعْروفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنکَرِ سَبیلُ الأنْبیاءِ وَ مِنْهاجُ الصُّلَحاءِ، فَریضَةٌ عَظیمَةٌ بِها تُقامُ الْفَرائِضُ، وَ تَأمَنُ الْمَذاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَکاسِبُ، وَ تُرَدُّالْمَظالِمُ وَ تَعْمُرُ الأرْضُ، وَ یُنْتَصِفُ مِنَ الأعداءِ وَ یَسْتَقیمُ الأمْرُ**: امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و واجب بزرگی است که واجبات دیگر با آن بر پا می‌شوند. راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده، به صاحبانش بر می‌گردد، زمین آباد می‌شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد.»[۱]

همچنین پیامبر اکرم(ص) در حدیثی از تبعات فراموش شدن امر به معروف و نهی از منکر می‌گویند و فراموشی آن را موجب تسلط افراد بدکردار بر جامعه بیان می‌فرمایند. رسول الله فرموده‌اند: «**لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْکَرِ أَوْ لَیُسْتَعْمَلَنَّ عَلَیْکُمْ شِرَارُکُمْ فَیَدْعُو خِیَارُکُمْ وَ لَا یُسْتَجَابُ لَهُم**. یعنی: اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید افراد بد کردار بر شما مسلط خواهند شد و هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌گردد.»[۲]

---

[۱] اصول کافی، جلد ۵، صفحه ۵۵

[۲] نهج الفصاحه، صفحه‌ي ۶۲۴، حدیث ۲۲۱۸

لذا از احادیث فوق که مشابه آن کم هم نیست می‌توان نتیجه گرفت مطالبه‌گری ذیل فرضیه امربه‌معروف و نهی از منکر در واقع ابزار اصلاح مسئولان و در پی آن اصلاح امور و اعتلای جامعه و کشور است.

حق‌طلبی مردمی در جامعه اسلامی

از جنبه‌ای دیگر اگر به معنای لغوی مطالبه‌گری برگردیم و تعریف آن را به معنای طلب، درخواست و خواستن حق بپذیریم نیز در احادیث مختلف بر آن پافشاری و تأکید شده است و از الزامات حکمرانی اسلامی، مردم‌سالاری دینی و مشارکت مردمی به شمار می‌آید.

حضرت علی(ع) در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه فرمایشی دارند که دقیقاً می‌توان از آن لزوم مطالبه‌گری به معنای طلب حق و تبعات غفلت از آن را برداشت کرد. امیرمؤمنان می‌فرمایند: «مردم از اینکه حقّ بزرگی فراموش می شود، یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می یابد، احساس نگرانی نمی کنند، پس در آن زمان نیکان خوار، و بدان قدرتمند می شوند، و کیفر الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود، پس بر شماست که یکدیگر را نصیحت کنید، و نیکو همکاری نمایید. درست است که هیچ کس نمی تواند حق اطاعت خداوندی را چنانکه باید بگذارد، هرچند در به دست آوردن رضای خدا حریص باشد، و در کار بندگی تلاش فراوان نماید، لکن باید بمقدار توان ، حقوق الهی را رعایت کند که یکی از واجبات الهی ، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن ، و برپاداشتن حق ، و یاری دادن به یکدیگر است . هیچ کس هر چند قدر او در حق بزرگ ، و ارزش او در دین بیشتر باشد، بی نیاز نیست که او را در انجام حق یاری رسانند، و هیچ کس گرچه مردم او را خوار شمارند، و در دیده ها بی ارزش باشد، کوچک تر از آن نیست که کسی را در انجام حق یاری کند یا دیگری به یاری او برخیزد.»

همچنین از کلمات حضرت امیر(ع) در این خطبه می‌توان برداشت کرد که مطالبه‌گری نه فقط حق مردم بلکه تکلیفی بر گردن آن‌هاست؛ حضرت در همین که ذکر آن گذشت آنگاه که به

حقوق والی بر مردم و حقوق مردم بر والی سخن می‌گوید به‌صراحت از مردم می‌خواهد با او مانند حاکمان جور برخورد نکنند و همواره حق را بر زبان بیاورند. شهید مطهری(ره) در شرح این خطبه می‌فرمایند: «لا تُکَلِّمُونی بِما تُکَلّمُ بِهِ الْجَبابِرَۀ مبادا آن اصطلاحاتی را که در مقابل جبّاران به کار می‌برید که خودتان را کوچک و ذلیل و خاک پا می‌کنید و او را بالا می‌برید و به عرش می‌رسانید، برای من به کار ببرید. مبادا با من این‌گونه حرف بزنید! با من همان‌طور که با دیگران حرف می‌زنید، صحبت کنید. وَلا تَتَحَفّظوا مِنّی بِما یُتَحَفّظُ بِهِ عِنْدَ اَهْلِ الْبادِرَۀ و اگر دیدید احیاناً من عصبانی و ناراحت شدم، حرف تندی زدم، خودتان را نبازید، مردانه انتقاد خودتان را به من بگویید، از من حریم نگیرید. وَلا تُخالِطونی بِالْمُصانَعَۀِ با باری به هر جهت، هر چه شما بفرمایید صحیح است، هر کاری که شما می‌کنید درست است (این را می‌گویند مصانعه و سازش) با من رفتار نکنید. هرگز با من به شکل سازشکارها معاشرت نکنید. وَلا تَظُنّوا بِیَ اسْتِثْقالاً فی حَقٍّ قیلَ لی گمان نکنید که اگر حقّی را در مقابل من بگویید، یعنی اگر علیه من کلمه‌ای بگویید که حق است، بر من سنگین خواهد آمد. به‌حق از من انتقاد کنید، ابداً بر من سنگین و دشوار نخواهد بود، با کمال خوشرویی از شما می‌پذیرم. وَلاَ الِتماسَ اِعْظامٍ لِنَفْسی ای کسانی که من حاکم و خلیفه‌تان هستم و شما رعیّت من هستید، خیال نکنید که من از شما این خواهش را دارم که از من تمجید و تعظیم کنید، از من تملّق بگویید، مرا ستایش کنید، ابداً. بعد یک قاعده کلی را ذکر می‌کند: فَاِنّهُ مَنِ اسْتَثْقَلَ الْحَقّ اَنْ یُقالَ لَهُ اَوِ الْعَدْلَ اَنْ یُعْرَضَ عَلَیْهِ کانَ الْعَمَلُ بِهِما اَثْقَلَ عَلَیْه یعنی آن آدمی که وقتی حق را به او می‌گویی دشوارش می‌آید و ناراحت می‌شود که چرا حق را گفتی، عمل کردن حق برای او سخت‌تر است.»

لذا با توجه به اشاره مختصری که به برخ از روایات شد می‌توان نتیجه گرفت که از دو جنبه مطالبه‌گری در معارف مربوط به ساخت جامعه، جایگاه والایی دارد و از ضروریت عملی یک مسلمان در جامعه اسلامی است. جنبه نخست آن ذیل امر به معروف و نهی از منکر تعریف خواهد شد و جنبه دیگر به‌عنوان وجهی از مردم‌سالاری دینی و اساس مشارکت مردم در برپایی دولتی دینی و جامعه‌ای اسلامی است.

مطالبه‌گری پیش برنده آرمان‌ها و اهداف انقلاب

امامین انقلاب اسلامی نیز به تبعیت از اسلام ناب محمدی(ص) هیچ‌گاه خواستار خانه‌نشینی مردم نبودند و با این تفکر که پس از پیروزی انقلاب از سوی عده‌ای از روشنفکران طرح شد مقابله کرده‌اند. حضرت امام خمینی(ره) آنگاه که بازرگان در روزهای نخست پیروزی انقلاب گفت: «خیلی ممنون از مردم که انقلاب کردند و روحانیت که این انقلاب را رهبری کردند؛ حالا مردم به خانه بروند و روحانیت به مسجد و دموکرات‌ها حکومت کنند.» ظرف ۲۴ ساعت فرمودند که مردم و روحانیت باید در صحنه باشند و اگر صحنه را ترک کنند، همان بلایی بر سر انقلاب می‌آید که بر سر مشروطه آمد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز همواره مردم و به خصوص جوانان را به مطالبه‌گری و طلب حق سفارش کرده‌اند. مقام معظم رهبری(مد ظله العالی) به صراحتاً خطاب به آحاد جوانان مؤمن انقلابی دستور داده‌اند: «لشکر جوانان مؤمن و انقلابی باید وارد میدان مطالبه دائم و هوشیارانه آرمان‌ها و کمک به تحقق اهداف انقلاب شود.» معظم له مکرراً در دیدارهای مختلف تأکید فرموده‌اند که نباید گذاشت پرچم مطالبه‌گری بر زمین ماند. به‌عنوان مثال ایشان در ۱۳۹۹/۲/۲۸ در دیدار تلویزیونی با جمعی از دانشجویان می‌فرمایند: «پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید... این بسیار چیز باارزشی است؛ این مطالبه‌گری را از دست ندهید، این آرمان‌خواهی را از دست [ندهید]. این‌ها آرمان‌خواهی است؛ ممکن است بعضی از این چیزهایی که شما مطالبه می‌کنید عملی نباشد که واقع قضیّه هم همین است؛ یعنی وقتی انسان وارد عمل شد مشکلات کار میدانی برای او بیشتر آشکار می‌شود، معلوم می‌شود که همه‌ی آن چیزهایی که می‌خواستیم، یا نمی‌توانسته عملی بشود یا نمی‌توانسته به این زودی عملی بشود؛ لکن خودِ این آرمان‌خواهی باارزش است؛ برای اینکه اگر آرمان‌خواهی وجود نداشته باشد راه را گم می‌کنیم؛ این آرمان‌خواهی موجب می‌شود که ما راه را گم نکنیم و وسط راه، کج و راست و به چپ و راست حرکت نکنیم. این آرمان‌خواهی را داشته باشید؛ این آرمان‌های مهم را: عدالت، استقلال، رفع فساد، در نهایت تمدّن اسلامی. آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدّن اسلامی

است؛ این‌ها را از دست ندهید و این‌ها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید؛ البتّه مطالبه‌گری بایستی با شکل‌های منطقی باشد.»

مقام معظم رهبری نه‌تنها خود همیشه مشوق جریانات مطالبه‌گری بوده‌اند بلکه وظیفه همگان می‌دانند که روحیه مطالبه‌گری در جوانان را گسترش دهند. معظم له در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۷ طی دیدار با دانشجویان نخبه و نفرات برتر کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها می‌فرمایند: «همه‌ی همت ما باید این باشد که این روحیه‌ی مطالبه، خواستن و مدعا داشتن در زمینه‌های گوناگون را در نسل جوان کشورمان - بخصوص جوان علمی - گسترش بدهیم. اگر این شد، ممکن است به همه‌ی آن مطالبات نتوان پاسخ داد - کما اینکه در کوتاه‌مدت همینجور هم هست؛ به همه‌ی مطالبات در کوتاه‌مدت یقیناً نمیشود پاسخ داد؛ ظرفیتها محدود است - لیکن یقیناً آینده‌ی خوب و یک افق روشن با چنین مطالباتی جلوی چشم است. جوان باید مطالبه کند، باید احساس کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است؛ و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست، که بگوید خوب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره‌ی مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راهِ کارِ اجرائی را برای آن جستجو کردن، برای طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالاخره خود وارد میدان کار شدن، این‌ها جزء وظایف و تکالیف جوان ماست که این را هم بایستی جوان ما درک کند؛ در کنار آن مطالبه و طلبگاری و مدعا داشتن که عرض کردیم.»

مطالبه «مطالبه‌گری» در گفتمان امام خامنه‌ای(حفظه الله) تنها به مردم و جوانان محدود نمی‌شود و ایشان از دستگاه‌های نظارتی نیز به کرات خواسته‌اند نسبت به دستگاه‌های اجرایی مطالبه‌گر باشند. برای مثال ایشان طی دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۳۰ می‌فرمایند: «مجلس خبرگان باید با تشکیل یک هیئت اندیشه‌ورز، میزان پیشرفت‌ها یا پسرفت‌ها را در مسیر حرکت به سمت اهداف انقلاب، ارزیابی، و بر اساس آن از دستگاه‌های مسئول، مطالبه کند. پالایش کشور و فرهنگ آن از آمیختگی با فرهنگ منحط غرب، اقتدار اقتصادی و قدرت خرید مردم، عدالت، مبارزه با فقر، تقسیم صحیح ثروت، حراست

از روحیه‌ی انقلابی و تدین مردم از نمونه‌هایی است که مجلس خبرگان وظیفه‌ی مطالبه‌گری آن را دارد.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای(حفظه الله) همچنین تلاش داشته‌اند از انحرافات در مطالبه‌گری جلوگیری کرده و با تعیین ریل صحیح مطالبه‌گری را به بهترین و ایده‌آل‌ترین حالت خود نزدیک سازند. ایشان در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۸ می‌فرمایند: «پرچم مطالبه‌گری را اگر شما در دست داشته باشید، خوب است؛ [امّا] اگر شما این پرچم را زمین گذاشتید، کسانی ممکن است این پرچم را بردارند که هدفشان رفع مشکلات مردم نیست؛ [بلکه] هدفشان معارضه و مبارزه‌ی با اسلام و با جمهوری اسلامی و با نظام اسلامی است؛ این را نگذارید؛ یعنی این باید اتّفاق نیفتد... به هر حال همیشه کسانی هستند که از شعارهای خوب و شعارهای درست بخواهند سوء استفاده کنند؛ شما اگر چنانچه این شعارها را رها کنید ممکن است آن‌ها بگیرند.»

فصل دوم

گام‌های مطالبه‌گری مطلوب

- تعیین مسئله یا موضوع مورد مطالبه
- تشکیل یک هسته یا تیم چند نفره
- مطالعه دقیق ابعاد مسئله

با در نظر گرفتن الزامات و نکاتی که در صفحات گذشته آمد، می‌توان مدلی مطلوب برای مطالبه‌گری طرح کرد تا مطابق آن پروژه‌ای را تا حصول نتیجه دنبال کنیم. گفتنی است مدلی که در ادامه می‌آید یک مدل صلب و غیرقابل تغییر نیست و می‌توان متناسب با هر شرایط و مکانی و با توجه به جزئیات مسئله، پازل مدل زیر را تغییر داد. گام‌های پیشنهادی بدین شرح است:

۱) تعیین مسئله یا موضوع مورد مطالبه

در نخستین گام بایستی به دقت مشخص کرد که مسئله اصلی مورد مطالبه ما چیست و دقیقاً بناست به دنبال چه چیزی برویم. این مرحله تعیین کننده تمامی مراحل بعد خواهد بود و به همین جهت دقت در آن اساسی است. در این گام نکات زیر را باید به خاطر داشت:

۱.۱) پرهیز از شعارزدگی: انتخاب هدفی کلان و بدون حوزه‌ای مشخص موجب خواهد شد در مراحل آتی دچار خطا در همسو ساختن تصمیمات و به تبع آن هدر رفت منابع و فرسایش انرژی و انگیزه‌های شما یا تیم‌تان شود و کار در حد شعارگویی متوقف شود.

۲.۱) خودسنجی صادقانه: برای تعیین هدفی کارآمد بایستی به شناختی دقیق از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود برسید. باید به صورت کلی موارد قوت و ضعف خود و ظرفیت‌های کارگر و غیرکارگر بشناسید و در این امر ضمن توکل و توسل به ائمه اطهار برای جبران کمبودها، در آگاهی به ضعف‌های خود صادق و واقع‌نگر باشید.

۳.۱) تمامیت‌خواهی ممنوع: در ذهن داشته باشید که بنا نیست تمامی مشکلات شهر را شما و آن هم در یک گام حل کنید. پس باید در همین آغاز کار نگاه تمامیت خواه را کنار گذاشت و با اولویت‌بندی مسائل و مشکلات، موارد دارای اولویت را متناسب با شرایط و واقعیت‌های میدانی و توانی که در اختیار دارید انتخاب کنید.

۴.۱) اولویت‌بندی واقعی: اولویت‌بندی به معنای انتخاب همه موارد به‌عنوان اولویت نیست. در واقع اگر ده مورد را به‌عنوان اولویت انتخاب کنیم دیگر اولویت‌بندی نکرده‌ایم و فقط خودمان با اسم اولویت‌بندی گول زده‌ایم.

۲) تشکیل یک هسته یا تیم چند نفره

هیچ چیز جای کار تیمی و گروهی را نمی‌گیرد. تشکیل یک گروه می‌تواند کمک کند که ضعف‌های تیم پوشش داده شود و کار با انگیزه و جدیت بیشتری جلو رود. اعضای گروه را بایستی متناسب با هدف تعیین شده در گام نخست تعیین کرد و ترکیب گروه باید به گونه‌ای تنظیم شود که دارای توانایی‌ها و مهارت‌های مختلف و مکمل یکدیگر باشند. البته در مواردی که در یک موضوع سلیقه‌های مختلفی وجود دارد می‌توانید برای بهره‌مندی از نظرات مختلف جلسات متعددی را با افراد صاحب‌نظر (گام سوم) برگزار کنید اما در نهایت بهتر است اعضای تیم‌تان را متناسب با روشی که برمی‌گزینید به‌گونه‌ای انتخاب کنید که بیشترین هماهنگی را با یکدیگر داشته باشند. در این صورت در تعریف سناریو ضمن همه جانبه‌نگری‌ای که به واسطه جلسه با صاحب‌نظران مختلف پیدا کرده‌اید از فرسایش در بحث بر سر اختلافات، جلوگیری کرده و توان‌تان را متمرکز بر هدف و طراحی راهی که مورد توافق همه اعضای گروه است خواهید کرد.

* **تبصره:** در برخی موارد گرد هم آوردن یک تیم کار نشدی است. در این موافع «خودسنجی صادقانه» داشته باشید و سعی کنید اهدافی را برگزینید یا سناریوهایی را برای مطالبه‌گری (گام هفتم) طراحی کنید که بتوانید آن را با تکیه بر قابلیت‌های فردی خودتان، یک نفره جلو ببرید.

جدول که در صفحه بعد آمده است، می‌تواند شما را در تشکیل تیم یاری دهد. البته شاید هدفی که در نظر گرفته‌اید نیازمند تمامی موارد آمده در آن جدول نباشد اما حضور افرادی با تخصص‌های مختلف موجب همه‌جانبه‌نگری در تعیین ابعاد دقیق مسئله (گام سوم) خواهد شد. همچنین تعیین تعداد متخصصان در هر زمینه بستگی به هدف (مرحله اول) و سناریوی تعریف شده (گام هفتم) دارد. ممکن است در مواردی نیاز باشد شما یک متخصص اقتصادی و چندین

نیروی رسانه‌ای در تیم داشته باشید اما در موردی دیگر تنها نیازمند یک نیروی رسانه‌ای و به‌جای آن چندین متخصص اقتصادی باشید.

* **نکته ۱:** گاهی ممکن است برای پیشبرد اهداف‌تان نیاز باشد افرادی حقوقی (از امام جمعه و جماعت گرفته تا مسئولان مربوطه) را به عضویت گروه‌تان درآورید و بعضی از جلسات را با حضور آن‌ها انجام دهید.

* **نکته ۲:** مرتباً ترکیب اعضای گروه‌تان را پایش کنید. اگر در طول مراحل مطالبه‌گری نیاز به اعضای جدید دارید آن‌ها را به گروه اضافه کنید و اگر با اعضایی برخورد دارید که موجب توقف یا تعلل در فرآیند می‌شوند تلاش کنید آن‌ها را اصلاح و در صورت عدم توافق با اعضای جدید جایگزین کنید. در ذهن داشته باشید اگر قرار است اتوموبیلی با ۱۸ چرخ به حرکت درآید و جلو رود، چرخ پنچر مانع حرکت و چرخ اضافه موجب اتلاف انرژی خواهد شد.

* **نکته ۳:** اگر در موردی نیازمند تیمی تخصصی بودید، همه متخصصان را در گروه اصلی عضو کنید بلکه گروه‌هایی موازی تشکیل دهید و تنها دبیر آن گروه را در تیم اصلی عضو کنید. برای مثال شما می‌توانید گروهی ویژه کار رسانه‌ای در کنار گروه اصلی‌تان داشته باشید و تنها دبیر گروه رسانه در گروه اصلی عضو باشد.

پروژه:	
تخصص‌ها و مهارت‌های مورد نیاز	**شخص یا اشخاص پیشنهادی**
متخصصان اقتصادی	۱)
	۲)
	۳)
متخصصان سیاسی	۱)
	۲)
	۳)
متخصصان فرهنگی و اجتماعی	۱)
	۲)
	۳)
متخصصان اداری و قضایی	۱)
	۲)
	۳)
متخصصان هنری و رسانه‌ای	۱) طراح و گرافیست:
	۲) نویسنده:
	۳) فعالان رسانه‌ای:
سایر موارد متناسب با هدف	۱)
	۲)
	۳)
افراد حقوقی متناسب با هدف	۱)
	۲)
	۳)

جدول ۱: اعضای گروه اصلی مطالبه‌گری

۳) مطالعه دقیق ابعاد مسئله

گام سوم، گامی مهم و محوری در پروژه مطالبه‌گری است. تمامی سناریوی طراحی شده (گام هفتم) بر اساس داده‌های به دست آمده در این مرحله خواهد بود. با توجه به اهمیت این مرحله، تیم تشکیل شده در گام دوم بایستی وقتی ویژه برای این کار قرار داده و با تقسیم کار جهت مطالعه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای مسئله، گروه‌هایی جداگانه برای هر بخش تشکیل شود و اطلاعات نهایی در گروه اصلی ارائه و جمع‌بندی شود (گام چهارم). در مطالعات خود بایستی به‌ویژه به موارد زیر بپردازید:

۱) مطالعه ابعاد مسئله: برای مطالعه دقیق و همه‌جانبه ابعاد مسئله می‌توان از مدل زیر استفاده کرد. در این مدل بایستی با توجه به ارزش‌ها و قواعد انقلابی و اسلامی خود به دقت نهادها، ساختارها، کنشگران و عاملیت‌های انسانی دخیل در موضوع، وقایع، رویدادها و رخدادهایی که موجب پدید آمدن مسئله شده‌اند و در روند آتی مسئله دخیل می‌باشند و همچنین اتفاقات بومی، منطقه‌ای و جهانی که بر مسئله تأثیر گذار هستند، شناسایی و مطالعه شود.

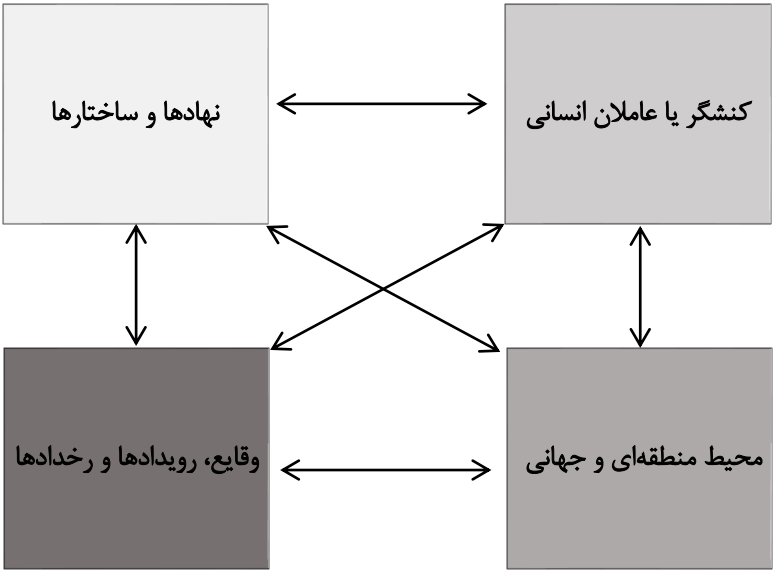

۲) بررسی دقیق تاریخچه موضوع مد نظر: در بررسی تاریخچه بایستی به تحولات هدف مورد مطالبه، کارهای انجام شده و عوامل موفقیت آن‌ها، طرح‌های شکست خورده و علل شکست، طرح‌های در دست اقدام، مسئولان و کارمندان فعلی دخیل در مسئله و مسئولان سابق که همچنان می‌توانند به طرق مختلف به شما کمک کنند. جدول ۲ می‌تواند شما را در تهیه تاریخچه مسئله کمک کند.

پروژه:	
ابعاد مسئله	**شرح**
نهادها و ساختارهای درگیر	۱)
	۲)
	۳)
کنشگران و عاملان انسانی دخیل	۱)
	۲)
	۳)
وقایع، رخدادها و رویدادهای مؤثر	۱)
	۲)
	۳)
شرایط منطقه‌ای و جهانی اثرگذار	۱)
	۲)
	۳)

جدول ۲: مطالعه ابعاد مسئله

پروژه:	
تاریخچه	**شرح**
تاریخچه	۱) تحولات هدف مورد مطالبه: .....
	۲) کارهای انجام شده و عوامل موفقیت: .....
	۳) طرح‌های شکست خورده و علل آن‌ها: .....
	۴) طرح‌های در دست اقدام: .....
	۵) مسئولان فعلی: .....
	۶) سئولان سابق که می‌توانند همچنان کمک کنند: .....

جدول ۳: تاریخچه پروژه هدف

۳) مطالعه اسناد بالادستی و قوانین مرتبط: در اینجا بایستی اصول قانون اساسی، مفاد قانونی، لوایح دولتی، آیین‌نامه‌ها و فرمایشات مقام معظم رهبری را که مربوط به مسئله هدف است احصا کنید. در حقیقت این موارد اصلی‌ترین ابزارهای شما در مطالبه‌گری است و دائماً در مطالبات شما به آن‌ها استناد می‌شود. جدول ۴ شما را در این قدم کمک می‌کند.

پروژه:	
اسناد بالادستی	**شرح**
قوانین و اسناد بالادستی	۱) اصول مربوطه در قانون اساسی: .....
	۲) مفاد قانونی مربوطه: .....
	۳) لوایح دولتی و آیین‌نامه‌های صادر شده: .....
فرمایشات مقام معظم رهبری	۱) .....
	۲) .....
	۳) .....

جدول ۴: مطالعه اسناد بالادستی

۴) حصارسازی و شناسایی دقیق موانع و عوامل: تعیین و تبیین ابعاد مسئله حتماً بایستی با «حصارسازی» جهت تعیین دقیق حدود و ثغور مشکلاتی باشد که با مطالبه‌گری به دنبال رفع آن هستیم. در «حصارسازی» ما بایستی این سوال را شفاف کنیم که در مسئله مورد بررسی، عوامل مشکل‌ساز که نیازمند تغییر یا اصلاح هستند چیست؟ با پاسخ به این سوال عوامل، نهادها، سیاست‌ها و اشخاص نیازمند تغییر یا اصلاح از عوامل، نهادها، سیاست‌ها و اشخاصی که هدف ما نیستند جدا شده و از اتلاف وقت و انرژی جلوگیری می‌کند. طبیعی است که اگر در این مرحله راه را به اشتباه برویم دچار احساس ضعف، شکست و بی‌انگیزگی می‌شویم. لذا بایستی طی مصاحبه با خبرگان و متخصصان موضوع و مسئولان پیشی یا کارمندان فعلی و قبلی جزئیات و ناگفته‌های مسئله کاملاً مشخص شود تا از این طریق بتوان به دقت و واقع‌بینانه موانع اصلاح یا عوامل شتاب دهنده به اصلاح، شناسایی شوند.

پروژه:			
	حصارسازی		**شرح تغییرات لازم یا استفاده‌های ممکن**
موانع	ساختاری	۱)	
		۲)	
	فردی	۱)	
		۲)	
عوامل	ساختاری	۱)	
		۲)	
	فردی	۱)	
		۲)	

جدول ۵: حصارسازی و شناسایی دقیق موانع و عوامل

۵) شناسایی مخالفان (حقیقی و حقوقی): در پروژه مطالبه‌گری دست بر هر مسئله‌ای که بگذارید موافقین و مخالفینی (اعم از حقیقی یا حقوقی) خواهد داشت. قرار نیست مخالفین شما حتماً از آن پروژه منفعت مالی یا رانتی ببرند. گاهی ممانعت‌ها فرهنگی یا اجتماعی خواهد بود یا ریشه‌های دیگری دارد که باید آن‌ها را شناسایی کنید. به‌عنوان مثال گاهی نیروی انسانی‌ای که بیش از ۲۷سال به صورت دستی کارهای بایگانی یک شرکت را انجام داده است با مکانیزه و سیستمی کردن فرآیندها مخالف است چون دوست دارد در چند سال آخر کاری خود همچنان امور روتین هر روزه را انجام دهد و دچار تنش‌های جدید نشود. وقتی مخالفین پروژه را شناختید آنگاه می‌توانید برای رفع مخالفت‌ها برنامه‌ریزی کنید و سناریوی پروژه (گام هفتم) را با دقت بیشتری بنویسند.

پروژه:			
مخالفین		**علت مخالفت**	**راه حل‌های پیشنهادی**
حقیقی	۱)		
	۲)		
	۳)		
	۴)		
حقوقی	۱)		
	۲)		
	۳)		
	۴)		

جدول ۶: شناسایی مخالفان (اعم از حقوقی و حقیقی)

۶) حواشی و چالش‌های محتمل: برای نوشتن سناریو در گام‌های آتی باید پیشبینی‌ای نسبت به حواشی و چالش‌های احتمالی داشته باشید تا در صورت بروز آن‌ها حین پروژه، سناریوی مطالبه‌گری دچار شوک نشود. ناظر به چالش‌های احتمالی می‌توانید سناریوهای احتمالی طراحی کنید. بخشی از کار شما در پروژه‌های مطالبه‌گری مانند بازی شطرنج است که باید پیش از هر حرکت، حرکت‌های احتمالی رقیب‌تان را حدس بزنید تا یک باره شوکه نشوید و عاقلانه‌ترین رفتارها را انجام دهید. جدول زیر به شما کمک خواهد کرد.

پروژه:			
ردیف	حواشی احتمالی	جزئیات	راه‌کارهای پیشنهادی
۱			
۲			
۳			
۴			
۵			

جدول ۷: حواشی و چالش‌های محتمل

۴) تهیه گزارش مکتوب

پس از طی مرحله اول تا سوم نیاز است اطلاعات و ۷ جدول کسب و گردآوری شده در کنار یکدیگر تجمیع شود و گزارشی مکتوب و کامل تهیه گردد که در آن هدف پروژه مطالبه‌گری به صورت کامل توضیح و با توجه به ابعاد تبیین شده، مسئله و سوالات مطالبه‌گری مشخص شود. گزارش مکتوبی باید به حدی شفاف باشد که هر کس آن را خواند متوجه هدف پروژه و سوالات آن شود و بداند که دقیقاً راه حل شما برای آن مسئله چیست. این گزارش مکتوب اساس اولیه تعریف سناریو خواهد بود.

۵) شناسایی و احصاء ظرفیت‌های قابل استفاده

شما باید تمام سعی خود را کنید تا پروژه مطالبه‌گری را به صورت جبهه‌ایی جلو ببرید و برای این کار بایستی تا می‌توانید ظرفیت‌های مختلف شهر خود و حتی ظرفیت‌های کشوری‌ای که می‌تواند به شما کمک کند شناسایی و با مذاکره و صحبت، آن‌ها را وارد مسئله خود کنید. در این مرحله تا می‌توانید باید با اشخاص و نهادهای حقیقی و حقوقی ارتباط برقرار کنید و سازمان‌های مردم نهاد و نهادهای اجتماعی را پای کار خود آورید. این ظرفیت‌ها می‌تواند اعم از امام جمعه، پیش‌نمازهای مساجد، تشکل‌های دانشجویی و دانش آموزی، فعالان رسانه‌ای، صاحبان تریبون، نشریات و رسانه‌های محلی و حتی کشوری، اقشار بسیج و... باشد. می‌توانید پس از حصول اطمینان از اشخاص گزارش اولیه خود را که در گام چهارم، آماده کرده‌اید، برای آن‌ها ارسال کنید.

پروژه:			
ظرفیت‌ها		**ظرفیت قابل استفاده**	**برنامه در نظر گرفته شده**
اشخاص حقیقی	۱)		
	۲)		
	۳)		
	۴)		
نهادها یا اشخاص حقوقی	۱)		
	۲)		
	۳)		
	۴)		
تشکل‌ها و سمن‌ها	۱)		
	۲)		
	۳)		
	۴)		
نشریات و رسانه‌ها	۱)		
	۲)		
	۳)		
	۴)		

جدول ۸: احصاء ظرفیت‌های قابل استفاده

۶) تعیین ابزارها

یکی از مهم‌ترین مسائل در مطالبه‌گری آن است که شما بتوانید حرف‌ها و مطالبات خودتان را به گوش مردم رسانده و آن‌ها در مطالبه‌گری با خود همراه سازید. طبیعتاً مطالبه‌ای که فقط از یک زبان شنیده می‌شود تأثیر بسیار کمتری نسبت به مطالبه‌ای دارد که اکثریت جامعه خواهان آن هستند. شما بایستی بتوانید افکار عمومی را با خود همراه کنید و مخالفان را موافق سازید و بی‌اطلاعان را مطلع کنید، این کار اتفاق نخواهد افتاد جز با اینکه شما مرتباً با مردم حرف بزنید و از ابزارهای مختلف در این راه استفاده کنید.

از سوی دیگر طبیعی است که علاوه بر مردم، مسئولان نیز باید حرف شما را بشنوند. نباید فکر کنید که اگر یک بار در جلسه‌ای خطاب به مسئول حرفی را زدید، او متوجه آن شده است و قطعاً پیگیری می‌کند. لذا باید با انتخاب ابزاری مناسب در کنار آنکه مرتباً با مردم ارتباط دارید و آن‌ها را با خود جلو می‌برید، مسئولان را نیز با ابزارهای مناسب مخاطب خود قرار دهید.

با توجه به آنچه که گذشت بسیار مهم است که با خودسنجی صادقانه نسبت به توان خود و اعضای گروه‌تان ابزارهایی را که در اختیار دارید و می‌توانید از آن‌ها بهره‌برداری کنید، مشخص نمایید. در ذیل پیشنهاداتی آمده است اما انتخاب ابزار حتماً باید متناسب با توانمندی‌های شما و مسئله مطالبه‌گری باشد. گاهی انتخاب یک ابزار اشتباه می‌تواند کل پروژه شما را نابود کند. لذا در این گام بایستی همه آنچه را که در قدم‌های قبلی گذشت، در نظر بگیرید. اعضای گروه و تخصص‌هایشان، نوع مسئله انتخاب شده، سوالات اصلی پروژه که در گام چهارم مشخص شد، ابعاد مسئله، موارد مشخص شده در حصارسازی، مخالفان و دلایل مخالفت آن‌ها، حواشی و چالش‌های پیش‌بینی شده در گام سوم و ظرفیت‌هایی که در گام پنجم احصا کردید از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انتخاب ابزار هستند.

ابزارهایی که در ادامه آماده است گاهی می‌توانند به‌عنوان مقدمه‌ای برای حل مسئله استفاده شوند و گاهی خود به صورت مستقیم در حل مسئله نقش آفرینند:

۱) نامه‌نگاری: نامه‌نگاری با مسئولان مربوطه همیشه از اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین گام‌های مطالبه‌گری است. شما باید در نامه‌هایتان به صورت خلاصه مشکل مربوطه و راه حل‌تان را شرح دهید و در صورت نیاز گزارش‌های لازم را به پیوست نامه ارسال کنید. در نامه‌نویسی از طول و تفصیل دادن مسئله بپرهیزد. در نظر داشته باشید که مسئول مخاطب نامه به جز نامه شما بایستی به بیش از ده‌ها نامه دیگر نیز رسیدگی کند.

۲) برگزاری جلسه با مسئولان مربوطه: سعی کنید با مسئولان متناظر با هدف پروژه‌تان جلسات متعددی داشته باشید. این جلسات را با رویکرد کمک به آن‌ها برگزار کنید. شما باید این حس را به مسئولان القا کنید که نه برای مچ‌گیری و زمین زدن آن‌ها و ضایع کردن‌شان در جامعه مطالبه‌گری می‌کنید بلکه از سر دلسوزی و کمک است که در کنارشان هستید. فریاد زدن بر سر مسئولان به‌ویژه در جمع، تندی و بی‌احترامی و برخورد جناحی و سیاسی آفت مطالبه‌گری است. شما باید کارتان را با تعامل جلو ببرید.

۳) مقاله‌نویسی و یادداشت‌نویسی: یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تبیین مسئله برای مردم و مسئولان و تشریح راه‌حل‌هایتان مقاله‌نویسی و یادداشت‌نویسی مطبوعاتی است. حتماً از افرادیی که دارای این توانمندی هستند در تیم خود استفاده کنید. هر چه بیشتر درباره مسئله و راه‌حل‌هایتان بنویسید، گام‌های رو به جلو بیشتری برداشته‌اید. نوشتن اصل مهمی است که در هر پروژه مطالبه‌گری نباید از آن غفلت کرد.

۴) بیانیه: از بیانیه برای اعلام مواضع خود بهره بگیرید و سعی کنید در بیانیه‌هایتان با مردم و مسئولان شفاف صحبت کنید تا احساس نکنند شما تنها به دنبال شعار دادن و کلی گویی هستید.

۵) کرسی‌های آزاد اندیشی: کرسی‌های آزاد اندیشی از دو جنبه می‌تواند به شما کمک کند. اولاً موجب می‌شود برای هدف پروژه‌ای که در دست دارید گفتمان‌سازی شود و از سوی دیگر می‌تواند موجب تولید فکر و نقد و بررسی راه‌حل‌ها شود و شما را در شناخت ابعاد مسئله یاری رساند.

۶) سخنرانی: یکی از راه‌هایی که می‌توانید حرف خود را به مردم برسانید سخنرانی و صحبت مستقیم با آن‌هاست. سعی کنید فرصت‌های مناسب سخنرانی را در شهر خود پیدا کنید. سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه، حضور در اردوها و دوره‌های دانش آموزی و دانشجویی، سخنرانی از طریق لایو اینستاگرام و حتی ضبط کلیپ‌هایی چند دقیقه‌ای می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای تشریح مسئله برای مردم و دعوت آن‌ها به مطالبه‌گری باشد.

۷) تولیدات سمعی و بصری: متناسب به امکانات و توانمندی‌هایی که دارید استفاده از جنبه‌های مختلف تولیدات چندرسانه‌ای را حتماً در سناریوی نهایی خود لحاظ کنید. این تولید شامل عکس نوشته، پوستر، کلیپ‌های رسانه‌ای، مستندسازی، فیلم کوتاه، پادکست‌های صوتی و تصویری و... می‌باشد. معمولاً تولیدات سمعی و بصری بیش از سایر تولیدات مورد توجه مخاطبین قرار می‌گیرند.

۸) تولیدات مکتوب: در جزوات، نشریات، گزارشات مکتوب و کتاب شما فرصت آن را دارید تا ابعاد مسئله را به صورت دقیق و همه جانبه و با تمامی جزئیات تشریح کنید. این کار پشتوانه‌ای گران بها برای کار شما خواهد شد و موجب درگیری بیشتر و جزئی‌تر نخبگان و مردم را با پروژه شما فراهم می‌کند.

۹) استفاده از ادبیات: شعر، رمان، نمایشنامه، داستان کوتاه و... بهترین ابزار برای ارتباط‌گیری با طبقه متوسط، جوانان و نوجوانان است.

۱۰) استفاده از ظرفیت‌های صداوسیما: در یک تعامل خوب با شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی در سطح استان و کشور می‌توانید در برنامه‌های آن‌ها یا گفت‌وگوهای خبری شرکت کنید و از آن طریق حرف خودتان را طرح و راهکارهای خود را تشریح کنید. همچنین می‌توانید تولیدات سمعی و بصری خود را در اختیار شبکه‌ها قرار دهید تا آن‌ها را پخش کنند.

۱۱) بهره‌مندی از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی(تلگرام، توئیتر، اینستاگرام، شبکه‌های داخلی و...): ایجاد صفحه و کانال در شبکه‌های اجتماعی، راه‌اندازی کمپین، شبکه‌سازی برای توزیع محتواهای تولید شده، برگزاری جلسات لایو و... از جمله امکاناتی است که می‌توانید به واسطه شبکه‌های اجتماعی از آن‌ها بهره‌مند شوید. سعی

کنید تا می‌توانید در گروه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی عضو باشید و همچنین با تشکیل گروه‌هایی ویژه بستری را فراهم آورید تا تولیدات‌تان را در جمع‌های بیشتری به اشتراک بگذارید.

۱۲) بهره‌مندی از ظرفیت‌های نشریات و رسانه‌های رسمی: هر چند شبکه‌های اجتماعی تأثیر به سزایی در ارتباط شما با مردم و رساندن حرف‌تان به گوش مسئولان دارد اما از رسانه‌های رسمی غافل نشوید. شبکه‌های اجتماعی را به چشم مکمل رسانه‌های رسمی باید ببینید. مرجعیت رسمی در اطلاع‌رسانی همچنان با رسانه‌های رسمی و نشریات است. اگر می‌توانید مستقیماً نشریه یا رسانه‌ای را راه‌اندازی کنید و اگر نمی‌توانید سعی کنید با رسانه‌های موجود تعامل کنید.

۱۳) طنز: تا می‌توانید به قالب طنز در سناریوهای خود و طرح مسئله با مردم بهره بگیرید. گاهی یک کاریکاتور یا یک دابسمش یا یک نوشته یا کلیپ طنز کار ساعت‌ها سخنرانی را می‌کند و قدرتش از هر پیامی برای تفهیم و نقد مسئله بالاتر است. سعی کنید افرادی با این قابلیت را در گروه‌های رسانه‌ای خود داشته باشید.

۱۴) بهره‌مندی از ظرفیت‌های هنری: تئاتر، موسیقی، عکاسی، نمایشگاه‌های هنری و... می‌تواند بهترین شیوه برای انتقال پیام‌تان در مرحله اول به مردم و در مرحله دوم به مسئولان باشد. نباید تصور داشت که حتماً به مردم باید چیزی را توضیح داد تا آن‌ها متوجه شوند. گاهی دیدن یک تئاتر یا

۱۵) میزگرد و مناظره: می‌تواند در میزگردها و مناظره‌ها موافقین و مخالفین را گرد هم آورده و مسئله را از زوایای مختلف بررسی کنید. این کار نه‌تنها موجب محک خوردن نظرات و راه‌حل‌ها خواهد شد بلکه موجب بسط و تسری مسئله در میان جامعه نخبگانی و به تبع در عموم جامعه خواهد شد. امروزه به مدد فناوری‌ها نوین نباید منتظر گرفتن آنتن از تلویزیون شد. مستقیماً به خط بزنید و از امکانات جدید نهایت استفاده را بکنید.

۱۶) برگزاری بازدیدهای علمی: بازدید میدانی از مناطق مرتبط با هدف پروژه مطالبه‌گری همچون بازدید از کارخانه، محلات فقیر نشین، مکان‌های نیازمند اصلاح و... . این بازدیدها می‌تواند به صورت اولیه و مقدماتی جهت شناسایی ابعاد مسئله

باشد. گاهی نیز مستقیماً در حل مسئله مؤثر هستند برای مثال شما می‌توانید جمعی از مسئولان را به اینگونه بازدیدها دعوت کنید تا از نزدیک مشکلات را به آن‌ها نشان دهید و راه حل‌های خود را برای آن‌ها تشریح کنید.

۱۷) اردوهای جهادی: در بسیاری از مواقع نیاز است شما خودتان آستین‌ها را بالا زده و مستقیماً وارد میدان شوید. اردوی جهادی را تنها منحصر در سازندگی در مناطق محروم ندانید. گاهی رفع یک مشکل فرهنگی یا اجتماعی یا سازندگی در میانه شهر یا حتی فضاسازی شهر برای یک مناسبت مذهبی که نهادهای رسمی به آن کمتر توجه کرده‌اند هم می‌تواند سوژه خوبی برای اردوی جهادی باشد.

۱۸) مسابقات فرهنگی، ورزشی و علمی: این مسابقات می‌تواند متناسب با هدف پروژه طراحی شوند. گاهی این مسابقات مقدمه حل مسئله است و گاهی ناظر به حل مسئله. به‌عنوان مثال می‌توان در یک مسابقه از دانشجویان و نخبگان بخواهید راه حل‌های علمی‌شان را برای شما ارسال کنند. گاهی هم می‌توان برای رفع یک مسئله فرهنگی، مسابقه‌ای ورزشی و فرهنگی ترتیب داد.

۱۹) جشنواره و نمایشگاه: در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های شما فرصت رویارویی مستقیم با مردم و کمک گرفتن از آن‌ها را دارید. تصور کنید برای محرومیت زدایی در یک منطقه محروم تصمیم دارید سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در پیش بگیرید. یک نمایشگاه خوب می‌تواند بازار مناسبی برای فروش محصولات تولیدی آن منطقه باشد. البته جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها تنها منحصر به کارهای اقتصادی نیست. گاهی یک نمایشگاه عکاسی یا نقاشی یا تئاتر با یک موضوع خاص می‌تواند بهترین ابزار برای رساندن حرف به مردم و گفتمان‌سازی حول یک مسئله باشد.

۲۰) تجمع، تحصن و راهپیمایی: در برگزاری تجمعات و تحصن‌ها به حواشی و چالش‌های پیش‌بینی شده در گام سوم دقت کنید. گاهی اوقات یک تجمع یا تحصن می‌تواند کل پروژه مطالبه‌گری را از ریل خارج کند و یا مخالفین را در مخالفت خود محکم‌تر کند. تجمع و تحصن معمولاً می‌توان در مواردی به کار آید که راه‌های دیگر طی شده و هیچ راه دیگری باقی نمانده است.

۷) تبیین و طراحی سناریو

سناریو یا برنامه عملیاتی زمان‌بندی شده مطالبه‌گری در واقع کالک عملیاتی شماست. در سناریو باید متناسب با ابعاد مسئله، ظرفیت‌های احصاء شده و ابزارها، نقشه عملیاتی پروژه مطالبه‌گری طراحی شود. در این نقشه باید هر قدم پس از قدم دیگر و تاریخ و زمان اجرای آن مشخص شود. حتماً در سناریوی‌تان اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در نظر بگیرید و دقت کنید که از ابزارهای انتخاب شده و ظرفیت‌های احصاء شده در جای خود استفاده شود وگرنه امکان آن وجود دارد که نتیجه سوء بگیرید. برای مثال امکان آن وجود دارد در یک مسئله خاص اگر در قدم اول مطالبه‌ای را رسانه‌ای طرح کنید مسئول مربوطه آن را بدل از یک تسویه حساب جناحی ببیند و توجهی به آن نکند اما اگر همان مطالبه را در قالب نامه‌ای یا نشستی به او منتقل نمایید، بتوانید اعتماد او را جلب نمایید.

در طراحی سناریو حتماً با پیش‌بینی‌ای که از چالش‌ها و حواشی در گام سوم داشته‌اید، سناریوهای احتمالی و جایگزین را لحاظ کنید.

۸) اجرای دقیق سناریو و بازخورد گرفتن و در صورت نیاز اصلاح سناریو

پس از تدوین سناریو نوبت عملیات فرا می‌رسد. حتماً پیش از عملیات جلسات توسل دسته‌جمعی گذاشته و از ائمه(ع) بخواهید که به توان و راه‌تان برکت دهند و نقص‌ها را با کرم خود بپوشانند. نیت ما از مطالبه‌گری جز خدمت به اسلام و انقلاب و تلاش برای ارتقاء نظام اسلامی و خدمت‌رسانی به مردم نیست. هرگز در پروژه مطالبه‌گری به دنبال کسب شهرت و مطرح کردن خود نیستیم که اگر این باشد چه بسا برکت از کارمان رفته و کار به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

در حین و پس از پیاده‌سازی سناریو مرتباً از سناریو بازخورد گرفته و در پی رفع نواقص سناریو باشید. مرتباً با گروهی که در ابتدا تشکیل داده‌اید، جلسات نقد و بررسی بگذارید و همه جوانب و بازخوردهای کار را بررسی کنید تا اگر نیاز است در سناریوی ادامه مسیر بازبینی کنید.

حفظ استمرار و نظم در پیاده‌سازی سناریو نقش مهمی دارد. اگر مراحل در نظر گرفته شده در سناریو به دقت و در دوره زمانی خود پیاده نشوند، کل سناریوی شما بر باد خواهد رفت. پس سعی کنید دقیقاً قدم‌هایتان را همان‌طوری که در سناریو طراحی کرده‌اید بردارید.

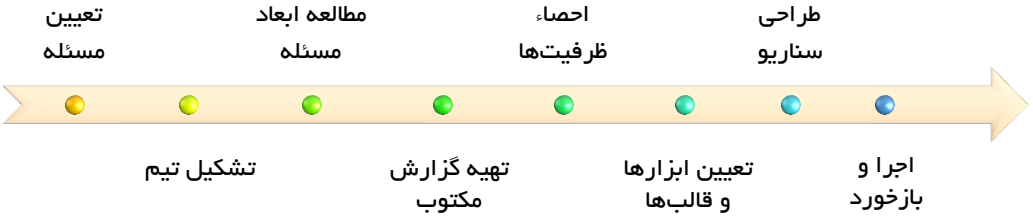

نموداری روندی کلی مراحل مطالبه‌گری

فصل سوم

ظرایف و الزامات مطالبه‌گری

ریل‌گذار جریان مطالبه‌گری

نکاتی که در ادامه ذکر خواهد شد به شما کمک می‌کند تا در پروژه‌های مطالبه‌گری را به بهترین شیوه هدایت و راهبری نمایید. این نکات برآمده از تجربیات مختلف است:

نکته ۱: در آغاز و طول پروژه مطالبه‌گری همواره توسل‌تان به ائمه معصومین و توکل‌تان به خدا باشد. دائماً از حضرات معصومین مدد بطلبید و از آن‌ها بخواهید تا نواقص و کاستی‌های کار را پوشش دهند و شما را به سمت بهترین کار هدایت کنند.

نکته ۲: تقوا و اخلاق را چه در درون گروه و چه در هنگام جلسه و تعامل با مسئولان اصل مطالبه‌گری قرار دهید. قیود اخلاقی را جدی بگیرید و آن طور که خدا امر فرموده جز «قول سدید» نگویید.

نکته ۳: هدف ما از مطالبه‌گری تنها کمک به مسئولان جمهوری اسلامی، تلاش برای ارتقاء انقلاب اسلامی و خدمت کردن به مردم است. هیچ‌گاه در مطالبه‌گری به دنبال طرح نام خود یا موسسه و قرارگاه خود نباشید. آنچه مهم است هدف مورد مطالبه است و بس. برخی می‌خواهند از تشنگی مردم سوء استفاده کنند و از شعار مبارزه با فساد، مطالبه‌گری، عدالت‌خواهی و... نردبانی بسازند تا آن‌ها را به جایگاه قدرت برساند، این کار برکت را از کارهایمان خواهد برد.

نکته ۴: در کنار آرمان‌گرایی، واقعیت‌های میدانی را نادیده نگیرید. دمیدن در مطالبه‌ای که در میدان واقعیت امکان تحقق آن وجود ندارد به نارضایتی‌ها و بی‌اعتمادی‌ها لطمه می‌زند. گاهی به جای مطالبه یک هدف باید ابتدا مقدمات آن را مطالبه کنید یا دست به کار تهیه مقدمات آن شوید.

نکته ۵: هر چند که کار فردی بی‌تأثیر و بی‌برکت نیست اما هیچ چیز تأثیر کار جمعی و به‌ویژه جبهه‌ای را نخواهد داشت. لذا تا می‌توانید تلاش کنید تا مطالبه خود را جبهه‌ای جلو ببرید و ظرفیت‌های بیشتری را برای حضور در جبهه مطالبه‌گری احصا کنید.

نکته ۶: مطالبه‌گری باید به شکل مستمر و ادامه‌دار باشد. توقع نداشته باشید یک بار گفتن مطالبه‌ای به یک مسئول آن هم در حاشیه یک نشست هدف پروژه را جلو می‌برد. مسئولان ولو بهترین‌شان آنقدر درگیری‌ها مختلف دارند که گاهی نامه و حرف یک بار زده شما اصلاً به ذهنشان نمی‌آید و نیاز به مطالبه‌گری‌های متعدد و پیگیری مداوم دارد. لذا برای مطالبه‌گری

باید سناریو دقیق داشت و این سناریو را مستمراً و از طرق مختلف و با ابزارهای گوناگون جلو برد.

نکته ۷: شما باید در مطالبه‌گری اعتماد مسئولان را به خود جلب کنید. آن‌ها نباید احساس کنند شما رقیب آن‌ها هستید که می‌خواهید مچشان را بگیرید و زمین‌شان بزنید. باید این اطمینان را به مسئول داد که شما می‌خواهید از سر دلسوزی و نه از سر ستیز با جریانات سیاسی، کمک آن‌ها باشید. اگر مسئول احساس کند با مطالبه‌گری شما در جمعی او تحقیر و ضایع شده و غرور او به‌عنوان مسئول شکسته است نباید توقع داشت حرف شما را گوش کند و مطالبه‌تان را پیگیری کند.

نکته ۸: گاهی شرح یک واقعه به‌تنهایی تأثیری بر حل مسئله ندارد. مطالبه‌گری حتماً باید هدفمند و به همراه راه حلی دقیق، عملیاتی و کاربردی باشد .

نکته ۹: مطالبه‌گری بایستی هوشمندانه و خلاقانه باشد. در طراحی سناریو و اجرای آن هر آنچه می‌توانید هوشمندی و خلاقیت به خرج دهید.

نکته ۱۰: از ابهام‌گویی و کلی‌گویی بپرهیزید. مسئولان و مردمی که مخاطب شما هستند باید بدانند که شما دقیقاً به دنبال چه چیزی هستید .

نکته ۱۱: اهداف پروژه‌تان را به کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تقسیم کنید و در رسیدن به نتیجه صبر و حوصله داشته باشید. قرار نیست یک پروژه یک روزه جلو رود. به‌ویژه در مسائل فرهنگی شاید چند سال طول بکشد تا کار به ثمر نشیند.

نکته ۱۲: برای به نتیجه رساندن کار باید بتوانید در طول پروژه مطالبه‌گری هر چه بیشتر مردم را با خود همراه کنید و آن‌ها را به روشنی ناظر به کاری که انجام می‌دهید آگاه سازید. هر چقدر بیشتر مردم با شما همراه شوند هدف شما سریع‌تر و با قدرت بیشتری محقق می‌شود. برای صحبت با مردم روش‌ها و ابزارهای مختلفی را انتخاب کنید و تنها به نوشتار و گفتار و روش‌های معرفتی بسنده نکنید. هر فرد ساحات مختلفی دارد که می‌توانید متناسب با آن ساحات برنامه‌ریزی کنید. ساحات مختلف هر فرد که از طریق آن تأثیرپذیری دارد به صورت اجمالی عبارت است از:

نکته ۱۳: استفاده از قالب‌های مختلف هنری را جدی بگیرید. در اکثر موارد زبان هنر خیلی بهتر از قالب‌های دیگر می‌تواند پیام شما را به مردم و حتی مسئولان منتقل کند. عمده ساحاتی که در نکته پیشین نیز ذکر شد متأثر از هنر هستند. لذا سعی کنید حتماً در تیم مطالبه‌گری خود متخصصان هنری داشته باشید و برای بهره‌مندی هر چه بیشتر از هنر دائماً مطالعه نمایید.

نکته ۱۴: به استفاده از زبان طنز در بیان مسئله و سپس اجتماعی‌سازی و مطالبه آن اهمیت ویژه دهید و تلاش کنید در سناریوهای خود در قالب‌های مختلف از طنز بهره گیرید.

ریل‌گذار جریان مطالبه‌گری

قطع یقین هیچ مقام مسئولی در جمهوری اسلامی ایران به اندازه حضرت آیت الله خامنه‌ای(حفظه الله) تلاش نداشته‌اند ضمن تشویق به مطالبه‌گری از انحرافات در آن جلوگیری کرده و با ریل‌گذاری، سعی نمایند مطالبه‌گری را به بهترین و ایده‌آل‌ترین حالت خود نزدیک سازند.

بر این اساس رهبر انقلاب در سالیان مختلف راه را برای مطالبه‌گران روشن ساخته و از الزامات و سنگلاخ‌هایی که موجب به انحراف کشیده شدن جریان مطالبه‌گری می‌شود، گفته‌اند.

با گذری به بیانات معظم له که بخشی از آن در ابتدای همین مجموعه نیز مرور شد، می‌توان استنباط کرد که معظم له ۱۲ مضمون اصلی را به‌عنوان چارچوب‌های ضروری و خطوط قرمز جریان مطالبه‌گری در سالیان گذشته بیان داشته‌اند. این مضامین عبارتند از:

در ادامه بر اساس برخی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در ادوار مختلف تلاش خواهد شد در خصوص هر یک از مضامین احصاء شده، نکاتی کلیدی از معظم له را بیاوریم[۳]:

رعایت تقوا و اخلاق

- ✓ **خیلی باید مراقب باشیم!**

همه‌ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضع‌گیری کردن، مراقب گفتن‌ها، مراقب نگفتن‌ها. یک چیزهایی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده‌ایم. یک چیزهایی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم. نخبگان سر جلسه‌ی امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت می‌کند، معیار و ملاک قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم.[۱۳۸۸/۰۴/۲۹]

- ✓ **مطالبه کردن دشمنی کردن نیست**

مطالبه کردن با دشمنی کردن فرق دارد. اینکه ما گفتیم گاهی اوقات معارضه‌ی با مسئولان کشور نشود - که الآن هم همین را تأکید می‌کنیم؛ معارضه نباید بشود - این به معنای انتقاد نکردن نیست؛ به معنای مطالبه نکردن نیست؛ در باره رهبری هم همینجور است. این برادر عزیزمان میگوید «ضد ولایت فقیه» را معرفی کنید. خوب، «ضد» معلوم است معنایش چیست؛ ضدیت، یعنی پنجه در افکندن، دشمنی کردن؛ نه معتقد نبودن. اگر بنده به شما معتقد نباشم، ضد شما نیستم؛ ممکن است کسی معتقد به کسی نیست. البته این ضد ولایت فقیه که در کلمات هست، آیه‌ی مُنزل از آسمان نیست که بگوئیم باید حدود این کلمه را درست معین کرد؛ به هر حال یک

---

[۳] عبارات آمده الزاماً پیرامون مطالبه‌گری بیان نشده اما به جهت روشن ساختن ابعاد هر چارچوب مرور شده است.

عرفی است. اعتراض به سیاستهای اصل ۴۴، ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی، نباید کرد. دو نفر طلبه کنار همدیگر مینشینند؛ خیلی هم با هم رفیقند، خیلی هم با هم باصفایند، همدرس هستند، مباحثه می‌کنند، حرف همدیگر را رد می‌کنند؛ این حرف او را رد می‌کند، آن حرف این را رد می‌کند. ردکردن حرف، به معنای مخالفت کردن، به معنای ضدیت کردن نیست؛ این مفاهیم را باید از هم جدا کرد. ۱۳۸۶/۷/۱۷

- ✓ **حمایت به شرط مراعات اخلاق و قانون**

من از جوانان انقلابی و مؤمن و غیور حمایت می‌کنم؛ منتها همه را توصیه می‌کنم به این که در رفتار خود، با اخلاق اسلامی رفتار کنند؛ قانون را مراعات کنند.۱۳۹۱/۰۱/۰۱

- ✓ **دعوت به اخلاق**

من دعوت می‌کنم بسیجیان عزیز را به اخلاق. اخلاق یعنی چه؟ یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاک‌دامنی...همچنین توصیه‌ی اکید می‌کنم به استحکام و عدم سایش اعتقادی و ایمانی و عملی؛ مراقب باشید ماها در این مسیر زندگی، آنجایی که با وسوسه‌ها مواجه می‌شویم؛ وسوسه‌ی پول، وسوسه‌ی شهوات، وسوسه‌ی مقام، وسوسه‌ی رفاقت، ساییدگی پیدا می‌کنیم؛ سایش پیدا می‌کنیم مراقب باشید سایش اعتقادی پیدا نکنید، شما بر روی محیط اثر بگذارید، نگذارید آن محیط اگر بد است، روی شما اثر بگذارد.۱۳۹۳/۰۹/۰۶

- ✓ **از گناهان پرهیز کنید**

آن چیزی که من از بزرگان شنیدم و به شما عرض می‌کنم، یک کلمه است؛ مهم‌ترین کار برای اعتلای معنوی و روحی، پرهیز از گناه است؛ این مهم‌ترین کار است. سعی کنید از گناه پرهیز کنید. گناه‌ها هم مختلفند؛ هم گناه زبان هست، هم گناه‌های مربوط به چشم هست، هم گناه‌های مربوط به دست هست، انواع گناهان هست؛ گناه‌ها را بشناسید، خودتان را مراقبت کنید. تقوا! تقوا یعنی همین. تقوا یعنی مراقبت. در یک

جادّه‌ی خطرناک وقتی دارید حرکت می‌کنید، دقیق مراقبید، این تقوا است؛ مراقبت کنید، از گناه پرهیز کنید؛ این مهم‌ترین راه اعتلای معنوی است. البتّه بلافاصله بعد از این، انجام فرائض است؛ در میان فرائض هم از همه مهم‌تر نماز است؛ نماز اوّل وقت، با حضور قلب. حضور قلب یعنی اینکه شما وقتی نماز می‌خوانید، بدانید دارید با کسی حرف می‌زنید، مخاطب دارید. توجّه به این داشته باشید. گاهی هم حواس انسان پرت می‌شود؛ عیبی ندارد، به‌مجرّد اینکه باز حواس انسان جمع شد، همان حالت و احساسِ داشتن مخاطب را در خودش احیاء کند و زنده نگه دارد؛ این حضور قلب است. نماز با حضور قلب، نماز اوّل وقت، حتّی‌المقدور نماز به جماعت، این چیزها را رعایت کنید، شما اعتلای روحی پیدا خواهید کرد، فرشته خواهید شد، از فرشته بالاتر خواهید شد؛ این را شما بدانید. شماها جوانید، دل‌هایتان پاک است، روح‌هایتان پاک است، آلودگی ندارید یا خیلی کم دارید؛ به سن ما که انسان برسد مشکلاتش خیلی زیاد می‌شود؛ بنابراین اگر این را رعایت بکنید، هیچ نصیحت دیگری لازم نیست؛ ذکر خاص و مانند این‌ها هیچ لزومی ندارد. البتّه خیلی خوب است با قرآن مأنوس باشید، هرروز حتماً ولو چند آیه‌ای قرآن بخوانید؛ این‌ها خیلی خوب است. به فرائض [اهمّیّت بدهید]. ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

- ✓ **پرورش اخلاقیّات نیکوی اسلامی**

ما در درون خودمان اخلاقیّات نیکوی اسلامی را پرورش بدهیم؛ از جمله‌ی این اخلاقیّات صبر است، از جمله‌ی این اخلاقیّات گذشت است، از جمله‌ی این اخلاقیّات حلم و ظرفیّت داشتن و جنبه داشتن است، از جمله‌ی این اخلاقیّات تواضع است؛ این خصوصیّات را در درون خودمان تقویت کنیم. الزامات رفتاری هم این است که همین خلقیّات نیکو را در عمل با مردم، در عمل با محیط، در تعامل با جامعه و انسان‌ها به کار ببریم. امام صادق (علیه الصّلاة و السّلام) به اصحابش می‌فرمود: جوری عمل کنید در بین مردم که هر کس شما را می‌بیند، بگوید این‌ها یاران امام صادقند، رحمت خدا بر امام صادق، مایه‌ی تحسین برای ما بشوید. رفتار یکایک عزیزان بسیجی، شما جوان‌ها، شما عناصر پاک، شما دلهای پاکیزه و روشن، رفتار یکایک شما با آحاد مردم

- که خیلی‌هایشان همان‌طور که گفتم به معنای واقعی کلمه بسیجی‌اند - باید جوری باشد که بگویند این‌ها پرورش‌یافتگان نظام اسلامی‌اند؛ مایه‌ی جلب محبّت، مایه‌ی جلب احترام برای نظام اسلامی و برای جمهوری اسلامی. این الزامات عملی، الزامات جهادی، الزامات اجتماعی، کارهایی است که بایستی انجام بگیرد؛ یعنی تقویت خصال نیک در خود، برخورد مهربان و خدوم و تحسین برانگیز با محیط، عمل جدّی در همه‌ی جبهه‌ها - هم در جبهه‌ی علم، هم در جبهه‌ی فعّالیّتها و خدمات مردمی، هم در جبهه‌ی کار، هم در جبهه‌ی سیاست، هم در جبهه‌ی تولید - در هر جا که حضور دارید، کار جدّی و بدون احساس خستگی و با پرهیز از تنبلی؛ کار کنیم.[۱۳۹۲/۰۸/۲۹]

- ✓ **شعار توخالی!**

اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، به یک شعار توخالی تبدیل می‌شود. خیلی‌ها حرف عدالت را می زنند، اما چون معنویت و آن نگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه ی سیاسی و شکلی پیدا می کند.[۱۳۸۸/۰۶/۱۶]

قانون مداری

- ✓ **همه چیز بر روال قانون**

جوان‌های عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هرگونه کار بی رویه‌ای، کمک به دشمن است. اینجا جوان‌ها تلفن می‌کنند – می‌فهمم من، می‌خوانم، غالباً تلفن‌ها و نامه‌ها را خلاصه می‌کنند، هر روز می‌آورند، من نگاه می‌کنم – می‌بینم همین طور جوان‌ها گله‌مند، ناراحت و عصبانی؛ گاهی هم از بنده گله می‌کنند که چرا فلانی صبر می‌کند؟ چرا فلانی ملاحظه می‌کند؟ من عرض می‌کنم؛ در شرایطی که دشمن با همه‌ی وجود، با همه‌ی امکاناتِ خود درصدد طراحی یک فتنه است و می‌خواهد یک بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاه‌های مسئولی

وجود دارند، قانون وجود دارد؛ بر طبق قانون، بدون هیچ‌گونه تخطی از قانون، بایستی مُرّ قانون به صورت قاطع انجام بگیرد؛ اما ورود افرادی که شأن قانونی و سمت قانونی و وظیفه‌ی قانونی و مسئولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب می‌کند. خدای متعال به ما دستور داده است: «و لایجرمنّکم شنئان قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتّقوی»[۴]. بله، یک عده‌ای دشمنی می‌کنند، یک عده‌ای خباثت به خرج می‌دهند، یک عده‌ای از خباثت‌کنندگان پشتیبانی می‌کنند - این‌ها هست - اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بی‌گناهانی که از آن‌ها بیزار هم هستند، لگدمال می‌شوند؛ این نباید اتفاق بیفتد. من برحذر می‌دارم جوان‌های عزیز را، فرزندان عزیز انقلابیِ خودم را از اینکه یک حرکتی را خودسرانه انجام بدهند؛ نه، همه چیز بر روال قانون.[۱۳۸۸/۱۰/۱۹]

- ✓ **هیچ پیشرفتی نصیب نخواهد شد!**

اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد.[۱۳۸۸/۰۱/۰۱]

- ✓ **از بزرگترین وظایف انسانی**

از بزرگترین وظایف انسان این است که در هر جا قرار دارد، حدّ قانونی خود را بشناسد و از آن تجاوز نکند.[۱۳۸۰/۰۹/۲۵]

- ✓ **قانون ریل است!**

قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ امّا همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است.[۱۳۹۲/۰۶/۰۶]

---

[۴] مائده:۸؛ «...البته نباید دشمنیِ گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است...»

✓ **بسیجی بی‌ترمز است اما بی‌انضباط نیست!**

ابتکار باید به وجود بیاید، نوآوری باید به وجود بیاید، اما بی‌انضباطی نه. یک عده‌ای اشتباه می‌کنند؛ خیال می‌کنند بسیجی یعنی کسی که پابند به مقررات نیست، پابند به قوانین نیست، پابند به ضوابط مستقر در جامعه نیست؛ نخیر، این اشتباه است، این خطاست... از دوره‌ی جنگ، در زبان بعضی‌ها بود که بسیج بی‌هوا حرکت می‌کند – می‌گفتند بسیجِ بی‌ترمز - علت هم این بود که در میدان‌های جنگ، در عرصه‌های نبرد، بسیجی‌ها همین طور هی پا به زمین می‌کوبیدند، اصرار داشتند که حمله انجام بگیرد؛ می‌خواستند زودتر تهاجم کنند. آن روحیه‌ی هیجان و نشاط جوانی، آن‌ها را به سمت میدان‌ها می‌کشاند. خب، فرمانده‌ها همه جا مصلحت نمی‌دانستند؛ نگه می‌داشتند. یک نوع کشمکشِ اینجوری همیشه در بخش‌های مختلف جبهه‌های نبرد وجود داشت. می‌گفتند بسیج بی‌ترمز است. این به این معنا نیست که بسیج بی‌انضباط است، یا باید بی‌انضباط باشد، یا بی‌انضباطی یک ارزش است؛ ابداً. خود نفس انضباط، منضبط بودن، منتظم بودن، یک ارزش است. امیرالمؤمنین (علیه‌السّلام) به فرزندانش وصیت می‌کند: «اوصیکم بتقوی اللّه و نظم امرکم»؛ کارتان را منظم داشته باشید، نظم داشته باشید. اگر نظم از بین رفت، اگر این آهنگِ درست از بین رفت، ناهنجاری به وجود می‌آید؛ در همه جا همین جور است. نظم است که زمینه برای موفقیت فراهم می‌کند. یک نیروی نظامی هم اگر نظم نداشته باشد، بکلی بی‌فایده می‌شود.[۱۳۹۰/۰۷/۲۲]

بصیرت و زمان شناسی

✓ **با بصیرت نگاه کنید**

سفارش من به جوان‌ها این است که با چشم باز نگاه کنید، با بصیرت نگاه کنید، هر حرفی را از هر گوینده‌ای نپذیرید. مبدأ حرکت و مبدأ انقلاب، امام بزرگوار است، حرف او را حجّت بدانید؛ نگاه کنید ببینید امام چه میگفت. [۱۳۹۵/۰۸/۱۲]

- ✓ **بصیرت یعنی چه؟**

بصیرت یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویّت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است.۱۳۹۳/۰۹/۰۶

- ✓ **بصیرت آن خط وسط است!**

یکی از مسائل مهم، مسئله‌ی بصیرت است. من به شما عرض بکنم؛ بصیرت در این دوران و در همه‌ی دوران‌ها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟ بعضی‌ها نقطه‌ی درگیری را اشتباه می‌کنند؛ خمپاره و توپخانه‌ی خودشان را آتش می‌کنند به سمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست، آنجا دوست است. بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمروئی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام می‌کنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند. خط درگیری با دشمن را مشخص کنیم. گاهی هست که یک نفری در لباس خودی است، اما حنجره‌ی او سخن دشمن را تکرار می‌کند! خب، او را باید نصیحت کرد؛ اگر با نصیحت عمل نکرد، انسان با او باید حد و مرز تعریف کند: خط فاصل. جدا میشویم. اگر بناست شما با همان احساساتی که رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی دارد - ولو با یک ادبیات دیگری - بخواهی در مقابل جمهوری اسلامی بایستی و حرف بزنی، خب با رژیم صهیونیستی چه فرقی داری؟ اگر با همان منطقی که آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی عمل می‌کند، شما بخواهی با آن منطق با جمهوری اسلامی تعامل کنی، خب شما با آمریکا فرقی نداری. این مسئله جداست. اما یک وقت هست که نه، اینجوری نیست. ممکن است اختلافات، اختلافات عمیقی هم باشد، اختلافات بزرگی هم باشد، اما انسان دشمن را با غیردشمن نباید اشتباه کند؛ دشمن حساب

دیگری دارد، غیردشمن حساب دیگری دارد. خط درگیری با دشمن را باید ترسیم کرد، مشخص کرد؛ این بصیرت می‌خواهد. بصیرتی که ما عرض می‌کنیم، این است. یک عده‌ای از آن طرف می‌افتند، یک عده‌ای از این طرف می‌افتند. یک عده‌ای با دشمن هم معامله‌ی دوست می‌کنند، فریاد دشمن را هم نمی‌شناسند، چون از جنجره‌ی دیگری درمی‌آید؛ یک عده هم از این طرف، هرکسی که اندک اختلاف سلیقه‌ای با آن‌ها دارد، به حساب دشمن می‌گذارند! بصیرت، آن خط وسط است؛ آن خط درست است.[۱۳۹۲/۰۷/۲۴]

✓ **بصیرت سیاسی!**

از جمله‌ی چیزهایی که امروز لازم است، بصیرت سیاسی است؛ بصیرت سیاسی! ببینید؛ وقتی بصیرت باشد، انسان می‌تواند محیط پیرامون خود و محیط‌های دور و نزدیک را بشناسد؛ بصیرت یعنی این. وقتی بصیرت نباشد، انسان مجذوب یک چیزی می‌شود که واقعاً جاذبه‌ای ندارد... بصیرت این است که شما بدانید با چه کسی طرفید، بدانید که او درباره‌ی شما چه فکری دارد، بدانید که اگر چشم خودتان را بستید و فکر نکردید، ضربه خواهید خورد؛ این بصیرت است. توقّع ما از نخبگان سیاسی و غیرسیاسی کشور این است که این بصیرت را داشته باشند. مردم خوشبختانه این بصیرت را دارند؛ تعجّب است! مردم معمولی و توده‌های مردم این بصیرت سیاسی را دارند [امّا] بعضی از نخبگان ما با تکیه بر توهّماتی که دارند، این بصیرت را ندارند.[۱۳۹۵/۰۶/۲۸]

✓ **بصیرت را باید زیاد کرد!**

این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌الصّلاةوالسّلام) را من بارها در سخنرانی‌ها گفتم: الا ... وَ لا یَحمِلُ هَذَا العَلَم اِلّا اَهلُ البَصَرِ و الصّبر[۵]. اوّل اهل بَصَر، کسانی که دید درستی دارند، بصیرت دارند، صحنه را میفهمند. بصیرت را روزبه‌روز باید زیاد کرد، صحنه‌ی داخلی را بشناسیم، بدانیم الآن در داخل چه دارد می‌گذرد، کجاها است که انسان

[۵] نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳

گاهی حضور دشمن را احساس می‌کند، کجاها است که می‌تواند انسان در آنجا با خاطر جمع، با دل آرام حرکت بکند. بصیرت؛ جایگاه خودمان را در دنیا بشناسیم؛ ما کجاییم امروز؟[۱۳۹۴/۰۹/۰۴]

- ✓ **بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد!**

در زندگیِ پیچیده‌ی اجتماعیِ امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن‌وقت شما می‌دانید با کِی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید. یک روز شما می‌خواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپائی هم می‌شود رفت تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز میخواهید بروید قله‌ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را می‌خواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه می‌خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.[۱۳۸۸/۰۷/۱۵]

- ✓ **ایمان همراه با بصیرت**

نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است؛ راه را انسان نمی‌بیند. بله، عزم هم دارید، اراده هم دارید، امّا نمی‌دانید کجا باید بروید... اگر بصیرت نبود، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. کسی که علم ندارد، بصیرت درست ندارد به آنچه پیرامون او دارد می‌گذرد، گاهی اوقات می‌شود که راه را عوضی طی می‌کند؛ همه‌ی نیروی او نه فقط هدر می‌رود، بلکه به کج‌راهه او را می‌رساند و می‌کشاند؛ پس بصیرت لازم است. عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راسخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت، و تداوم و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است. این‌هایی که پیروز

نمی‌شوند، یکی از این‌ها را ندارند: یا ایمان نیست، یا ایمانِ درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست؛ در نیمه‌راه بار را بر زمین گذاشتن است؛ طبعاً به نتیجه نمی‌رسند.[۱۳۹۲/۱۰/۱۹]

عقلانیت

✓ عقلانیت شرط اول!

اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود؛ اگر درست در باب عدالت محاسبه نباشد. خیلی از کارها را گاهی بعضی از این گروه‌های تند و افراطی توی این کشور به‌عنوان عدالت کرده‌اند، که ضد عدالت شده. اتفاقاً حالا همان تندی‌های آن حضرات موجب شده که خود آن‌ها صد و هشتاد درجه گرایش‌هایشان عوض بشود! جور دیگری حرف بزنند، جور دیگری فکر کنند، جور دیگری عمل بکنند. بنابراین در عدالت، عقلانیت شرط اول است.[۱۳۸۸/۰۶/۱۶]

✓ اسلام متکی به عقلانیت

اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت... عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار ماست؛ عقل را به کار می‌گیریم. همین‌طور که در اصول سیاست خارجی بارها گفته‌ایم، حکمت یکی از اصول سه‌گانه‌ی ماست، و در کنار آن، مصلحت. ما حکیمانه و مدبرانه عمل می‌کنیم. این، مخصوص سیاست خارجی ما نیست، بلکه در همه‌ی زمینه‌هاست. اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست.[۱۳۸۳/۰۵/۲۵]

✓ مطالبه‌گری همراه با عقلانیت

توصیه‌ی من به فضای دانشجوئی و محیط دانشجوئی، همین مطلبی است که عرض کردم؛ یعنی خواستن، مطالبه کردن، داعیه داشتن؛ هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل خاص دانشگاهی؛ همراه با عقلانیت. من از اول انقلاب تا حالا، حتی در آن روزهائی هم که روزهای بعضی از تحرکات نامتناسب بود و من به دانشگاه تهران می‌آمدم و با جوان‌ها صحبت می‌کردم، عقیده و سلیقه‌ام همین بود که دانشجو باید از افراط و تفریط پرهیز کند؛ من با افراط‌کاری و زیاده‌روی‌های گوناگون در هر جهتی، موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید و بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد. این تصور غلط نبادا به ذهن بیاید که چه فایده دارد؛ نخیر، کاملاً فایده دارد.[۱۳۸۶/۰۷/۱۷]

- ✓ **دو بُعد اصلی مکتب امام(ره)**

دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه‌ی بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود. و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است. [۱۳۹۰/۰۳/۱۴]

- ✓ **عدالت در گرو عقلانیت**

اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به‌خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به‌کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالیکه نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است،

گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازمِ رسیدن به عدالت است. عقلانیت و محاسبه که میگوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این‌طور نبود که مردم همین‌طور بی‌حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیمِ آن‌چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سال‌های متمادی - به تعبیر رایج امروز - یک گفتمان حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به این‌که نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند. بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است. الآن هم همین‌طور است. الآن در نظام ما برخی از تحولات هست که مُنتجه‌ی یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانه‌ی به وضع موجود و وضع دنیاست. من در زمینه‌ی مسائل گوناگون این را دارم مشاهده می‌کنم. حالت خواب‌رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومیِ سیاسی و اقتصادی دنیا دارد می‌گذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه‌ی ماست و اگر کسی درست بفهمد و بیندیشد، می‌فهمد که باید با یک تحرک و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی. بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه‌ی عقلانی را با محاسبه‌ی محافظه‌کارانه به هیچ‌وجه مخلوط نکنید؛ این‌ها دو چیز است. تا میگوییم محاسبه و عقلانیت، عده‌ای میگویند مواظب باشید، دست از پا خطا نکنید، عقل را رعایت کنید؛ نبادا یک حرفِ آن‌چنانی بزنید که در دنیا آن‌طوری بشود؛ نبادا یک کارِ آن‌چنانی بکنید که دنیا صف‌آرایی کند. این‌ها عقلانیتِ محافظه‌کارانه است؛ من به این اصلاً اعتقاد ندارم.

بنابراین اگر بخواهید عدالت را به‌درستی اجرا کنید، احتیاج دارید به محاسبه‌ی عقلانی و به‌کار گرفتن خرد و علم در بخش‌های مختلف، تا بفهمید چه چیزی می‌تواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را بر اساس آن اعتدالِ خدادادی میدانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند.[۱۳۸۴/۰۶/۰۸]

روحیه انقلابی

- ✓ **کار با روحیه انقلابی پیش خواهد رفت!**

ما در هرجایی که کار انقلابی کردیم، این‌ها را داریم. ببینید! کاری که شهدای هسته‌ای ما در زمینه‌های هسته‌ای که بسیار هم حسّاس است پیشاهنگش بودند، کاری که شهید طهرانی‌مقدّم پیشاهنگش بود، کاری که شهید کاظمی[۶] در زمینه‌ی سلّول‌های بنیادی پیشاهنگش بود، کارهای بسیار بزرگی است. در زمینه‌های فرهنگی [هم] کاری که شهید آوینی پیشاهنگش بود و در این اواخر [هم] مرحوم سلحشور -که این‌ها پیشروان کار انقلابی در این کشورند- این‌ها را باید ترویج کرد، این‌ها را باید تقدیر کرد و نام این‌ها را باید گرامی داشت. کار انقلابی این است. اینکه من بارها تکرار می‌کنم که نیروهای انقلابی را و نیروهای حزب‌اللّهی را باید گرامی بداریم و باید نگه بداریم، به‌خاطر این است؛ کار وقتی با روحیه‌ی انقلابی شد، پیشرفت خواهد کرد.[۱۳۹۵/۰۱/۰۱]

- ✓ **معنای روحیه‌ی انقلابی**

معنای روحیّه‌ی انقلابی این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام و عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده‌ی روشن حرکت می‌کند.[۱۳۹۵/۰۸/۱۲]

---

[۶] دکتر سعید کاظمی آشتیانی (رئیس پژوهشکده‌ی رویان)

✓ **روحیّه‌ی استغناء**

امروز کشور به جوان‌هایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پُرقدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزه‌ی ایمانی، بصیرت دینی، همّت بلند، جرئت اقدام، اعتمادبه‌نفس، اعتقاد به اینکه «ما می‌توانیم»، امید به آینده، افق‌های آینده را روشن و درخشان دیدن، روح استغناء -نه به معنای اعراض از فراگیری از بیگانگان، که این را ما هرگز توصیه نکرده‌ایم و نمی‌کنیم؛ حاضریم شاگردی کنیم پیش دیگران که از ما بیشتر بلدند- روحیّه‌ی استغناء از تأثیرگذاری، تحمیل و سوءاستفاده‌ی از انتقال دانش که امروز در دنیای دانشمند که دنیای قدرت استکباری است این معنا رایج است -این روحیّه‌ی استغناء باید در جوان وجود داشته باشد- روحیّه‌ی فهم درست از موقعیّت کشور که ما در کجا هستیم و کجا می‌خواهیم برسیم و چگونه می‌توانیم این راه را طی کنیم -که در بیانات امروز این اساتید، نکات روشنی در این زمینه حقیقتاً وجود داشت- قاطع بودن در برابر دست‌اندازی، تجاوز و خدشه‌دار کردن استقلال ملّی؛ ما به جوان‌هایی با یک‌چنین روحیّه‌هایی نیاز داریم. این روحیّه‌ها را، این امتیازات را استادها می‌توانند در نسل جوانِ مشغول تحصیل و علم‌آموز کشور، القا کنند و تزریق کنند و به‌وجود بیاورند؛ استاد این است؛ البتّه با روش، با منش، نه با درس اخلاق.[۱۳۹۴/۰۴/۱۳]

✓ **راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی**

[راه برافراختن پرچم تمدّن نوین اسلامی چیست؟] راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیّاتی که آن خصوصیّات این‌ها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدیّن، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ -البتّه خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیّات را داریم امّا این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکریِ حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجّه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «اَعِرِ اللهَ جُمجُمَتَک»؛ زندگی خودش

و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدّیّت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است.[۱۳۹۵/۰۷/۲۸]

- ✓ **زنده بودن روح انقلابی**

روح انقلابی، هر چه در ملت زنده‌تر و پویاتر باشد، روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت زنده‌تر خواهد بود؛ همچنانی که خود انقلاب هم یک نوآوری بزرگ بود.[۱۳۸۷/۰۳/۱۴]

- ✓ **رویشِ مبارکِ روحیّه‌ی انقلابی**

جوان‌های عزیز ما بایستی این رویشِ مبارکِ روحیّه‌ی انقلابی را ادامه بدهند. بحث‌ها و جنجال‌ها و حاشیه‌سازی‌ها و پرداختن به چیزهای کوچک و جزئی و مانند این‌ها مسئله‌ی کشور نیست؛ مسئله‌ی کشور، روحیّه‌ی انقلابی و جهت‌گیری انقلابی است.[۱۳۹۵/۰۸/۲۶]

مطالعه و تقویت قدرت تحلیل

- ✓ **علاج افزایش مطالعه است!**

آگاهی‌های شما از مسائل جهان باید بالا برود. من گمانم این است هر کسی، هر جوانی و هر دانشجویی که بداند این انقلاب و این نظام، کشور را از دست چه گرگهای خون‌آشامی گرفته و چه زحماتی را در این بیست‌ودو سال تحمّل کرده تا به این‌جا رسیده و چه دشمنیهایی با آن شده و الآن هم در کمین آن است، کاملاً می‌فهمد که در این نظام چه باید بکند. یعنی وظیفه‌ی خودش را حس می‌کند و تشخیص می‌دهد. جوان ایرانی، هم روشن‌بین و باهوش است، هم سیاسی است. لذا جای ابهام باقی نمی‌ماند. بنابراین، علاجی که من پیشنهاد می‌کنم، کتابخوانی، افزایش مطالعه و کشاندن اجتماعات دانشجویی به بحثهای صحیح و حقیقی - نه بحثهای انحرافی - است. البته بحث خودسازی و درون‌سازی و نورانی کردن دل و امثال این‌ها هم بحثهای مفصّلی است که در جای خود باید مورد تأکید قرار گیرد.[۱۳۷۹/۱۲/۲۲]

✓ فضای پیچیده و چندبُعدیِ کنونیِ علم می‌خواهد!

فضای سیاسی پیچیده و چندبُعدیِ کنونیِ امروز خیلی پیچیده است؛ چندلایه است؛ مثل دهه‌ی شصت نیست؛ دهه‌ی شصت معلوم بود: یک جنگی در غرب کشور و جنوب کشور برپا بود، یک دشمنی حمله کرده بود؛ وظیفه روشن بود، معلوم بود که همه باید بروند مثلاً فرض کنید نقش ایفا کنند؛ هرکسی به یک جوری. در تهران هم اگر یک عَلَم مخالفتی بلند میشد، از طرف خود مردم مغلوب و منکوب میشد که تو داری در دوره‌ی جنگ مثلاً این کار را میکنی. جنگ سخت این است دیگر. این تجربه را آمریکایی‌ها و دیگران دارند که به جنگ سخت با جمهوری اسلامی رو نمی‌آورند، اقدام نمیکنند؛ میدانند که اگر جنگ نظامی رخ بدهد، بسیاری از نقشه‌های امنیّتی و فرهنگی آن‌ها در داخل کشور به‌هم میخورد. امروز برنامه، برنامه‌ی پیچیده‌ای است؛ هم امنیّتی است، هم فرهنگی است، هم اقتصادی است، هم سیاسی است. برنامه‌ها برنامه‌های درهم‌تنیده‌ای است؛ در این شرایط، وظایف خیلی سنگین است؛ برنامه‌های امنیّتی دارند. خب این‌ها خطر است دیگر؛ این‌ها چیزهایی است که مواجهه‌ی با این‌ها تدبیر میخواهد، عقل میخواهد، دقّت میخواهد، مطالعه میخواهد. یعنی نمیشود انسان همین‌طور سرش را پایین بیندازد و این‌جوری حمله بکند؛ با چشم بسته نمیشود کار کرد.[۱۳۹۵/۰۴/۱۲]

✓ کار عالمانه

کار تحقیقی خیلی مهم است. کاری که از روی تحقیق و عالمانه باشد، حتی برای مردم عامی که عالم هم نیستند، ارزش و جاذبه‌ی بیشتری دارد. البته کار عالمانه به معنای قلنبه سلنبه‌گویی نیست، بلکه کار عالمانه، یعنی کار مُتقن و صحیح؛ ولو این‌که با زبان همه‌کس فهم و مردمی گفته شود. همچنان‌که شنیده‌اید، در همه‌ی زمینه‌های تحقیقات علمی، بودجه‌های کلانی در برخی از کشورهای پیشرفته گذاشته می‌شود. تحقیق در زمینه‌های مفاهیم فرهنگی و مسائل گوناگونی که رسانه‌ی ملی با آن‌ها سروکار دارد، از جمله کارهای بسیار مهم است.[۱۳۸۳/۰۲/۲۸]

- ✓ **نگویید ما همه چیز را بلدیم**

سطح آگاهی سیاسی و دینی خودتان را افزایش بدهید. نگویید ما همه چیز را بلدیم، به همه چیز مسلّطیم؛ نه، گاهی سطح آگاهی‌های سیاسی کم است، گاهی سطح آگاهی‌های دینی کم است. امروز امکانات فراوان است برای این معنا؛ هم در مورد سیاست، هم در مورد دین. حالا در مورد دین، مثلاً حوزه‌ی علمیّه‌ی قم -حالا یکی از دوستان گِله‌ی سخت و تند حسابی و جان‌داری از حوزه‌ی علمیّه‌ی قم کردند؛ البتّه نصفش وارد است، نصفش وارد نیست؛ به‌طور کلّی نمیشود رد کرد، نمیشود هم قبول کرد، یک اشکالاتی هم داشت- امروز ظرفیّت خیلی خوبی برای تفکّرات دینی‌ای که بتواند در اختیار شما قرار بگیرد، دارد...آگاهی‌های علمیِ دینی و سیاسی خودتان را افزایش بدهید، کتاب‌خوانی، شنیدن از برجستگان حوزوی و دانشگاهی.[۱۳۹۵/۰۴/۱۲]

توجه به منافع ملی

- ✓ **وظیفه امروز پیگیری منافع ملی**

امروز وظیفه‌ی ما این است که با تدبیر و عقل، دنبال منطق حقّ خود حرکت کنیم و به خدا توکّل نماییم و همه‌ی عواملی را که برای حفظ جهتگیری و حراست از منافع ملی لازم است، به خواست خدا در نظر بگیریم و پیش برویم...البته دشمنان، اخلالگری و مزاحمت می‌کنند و در داخل و خارج، آنچه که از دستشان برآید، می‌کنند؛ اما «للباطل جولةٌ و للحقّ دولةٌ»؛ باطل جولانی می‌کند و قابل ادامه یافتن نیست. آنچه که خواهد توانست فضای عالم آفرینش را در اختیار بگیرد، حقّ است و بنای عالم بر حقّ است. دل‌های خود را روزبه‌روز بیشتر با نور معرفت، نور علم، نور حقیقت و نور اخلاق روشن کنید و از خدا کمک بخواهید.[۱۳۸۰/۰۸/۲۱]

- ✓ **اتحاد برای منافع ملی**

یک جمله هم به برادران خودمان، برادران عزیز در سطح کشور عرض بکنیم. این توصیه‌ی به اتحاد و اتفاق که مخاطب آن همه‌ی دنیای اسلامند، در داخل کشور هم مخاطبان خودش را دارد. اتحاد و اتفاق را ملت عزیز ایران حفظ کنند. تا امروز آنچه به دست آورده‌اید، به برکت اتحاد و اتفاق به دست آورده‌اید. اتحاد و اتفاق معنایش این نیست که همه دارای یک سلیقه و یک مذاق باشند؛ اتحاد و اتفاق این است که سلیقه‌های گوناگون در کنار هم بنشینند، دست در دست هم بدهند، منافع ملی را بر اهواء شخصی مقدم بدارند، خودخواهی‌ها را - که ماه رمضان، ماه سرکوب این خودخواهی‌ها بود - وارد عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و تعاملات گوناگون نکنند. این روزها روزهائی است که ملت مسلمان ایران حرکتهای بزرگی را دارد تجربه می‌کند؛ کارهای مهمی را انجام میدهد که در سطح جهان این کارها مورد ستایش افراد باانصاف و صاحبنظر قرار می‌گیرد.[۱۳۸۷/۰۷/۱۰]

توجه به اعتماد ملی و سرمایه‌های اجتماعی

- ✓ **نَفَس حق**

آن نَفَسی، آن قلبی و آن گفتاری حقّ است که سعی می‌کند پیوندها را میان آحاد مردم، میان مردم و دستگاه‌های اداره کننده‌ی کشور، میان مردم و اصول دین، میان آحاد مسؤولین کشور با یکدیگر و میان ارگان‌ها مستحکم کند.[۱۳۷۲/۰۸/۳۰]

- ✓ **بنده معتقد به جذب حداکثری‌ام**

بسیج جناحی نیست؛ یکی از دو جناح سیاسی، یا سه جناح سیاسی، یا چهار جناح سیاسیِ داخل کشور نیست. بسیج لشکر انقلاب است، بسیج مال انقلاب است. اگر دوگانگی‌ای وجود داشته باشد، دوگانگی انقلابی و ضدّ انقلابی است -حتّی [فرد] غیر انقلابی هم قابل کشش است، قابل جذب است؛ بنده معتقد به جذب حدّاکثری‌ام، البتّه

با روشهای خودش، نه اینکه حالا هر کاری بکنیم به‌عنوان جذب حدّاکثری- انقلاب و ضدّ انقلاب. هر جناحی، هر کسی، هر آدمی که انقلاب را قبول دارد، در خدمت انقلاب است، دنبال انقلاب است، بسیج طرف‌دار او هم هست. یعنی این‌جور نیست که ما در جناحهای داخل کشور، بسیج را جزو این جناح یا آن جناح یا آن جناح [سوم] یا آن جناح [چهارم] بدانیم؛ نخیر، خود بسیج یک جریان است، یک شطّ عظیم جاری است به سمت اهداف انقلاب.[۱۳۹۵/۰۹/۰۳]

- ✓ **معیار و میزان اصول و ارزش‌هاست!**

«و ضمّ اهل الفرقة». ما عرض کردیم جذب حداکثری، دفع حداقلی. البته معیار و میزان، اصول و ارزشهاست. انسانها از لحاظ ایمان در یک حد نیستند. ما در بین خودمان آدمهائی داریم ضعیف‌الایمان، آدمهائی داریم که ایمانشان قوی‌تر است. باید راه بیائیم. نمیشود ضعیف‌الایمان را دفع کرد، نمیشود فقط به کسانی چشم دوخت که قوی‌الایمانند؛ نه، ضعفا را هم باید در نظر داشت. کسانی که خودشان را قوی میدانند، آن کسانی را که ضعیف میدانند، ملاحظه کنند، مراعات کنند، دفع نکنند. آن کسانی که جزو مجموعه هستند، لیکن بر اثر اشتباه و غفلت کنار افتادند، جدا افتادند، این‌ها را به خود بیاورند؛ این‌ها را نصیحت کنند، دلالت کنند، راه را به آن‌ها نشان بدهند، آن‌ها را برگردانند. این‌ها مسائل اساسی است.[۱۳۸۹/۰۵/۲۷]

- ✓ **پرهیز از اتهام بیجا به افراد!**

هرکسی را به صِرف اینکه با فکر شما به‌طورکامل انطباق ندارد متّهم به انقلابی نبودن نکنید. ممکن است کسی صددرصد با فکر شما منطبق نباشد، یک اختلافاتی داشته باشد، پنجاه درصد مثلاً منطبق باشد امّا انقلابی باشد؛ انقلابی بودن بالاخره معیارهایی دارد، این معیارها در او ممکن است وجود داشته باشد؛ فوراً آدم‌ها را متّهم به ضدّانقلاب یا غیر انقلابی نباید کرد...انقلابیگری هم مثل ایمان است و مراتبی دارد؛ مرتبه‌ی اوّل، مرتبه‌ی دوّم، مرتبه‌ی سوّم؛ بله، بعضی از مراتبش بالاتر است و بهتر است، بعضی

مراتبش پایین‌تر است امّا همه مؤمنند، حساب مؤمن با غیر مؤمن فرق می‌کند، با منافق فرق می‌کند ولو درجاتشان درجات یکسانی نباشد. ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

✓ **بنده با این کارها مخالفم!**

این حرفی که من امروز زدم و از بعضی از مسئولان و سران کشور گله‌گزاری کردم، موجب نشود که حالا یک عده‌ای راه بیفتند، بنا کنند علیه این و آن شعار دادن؛ نه، بنده با این کار هم مخالفم. اینکه شما یک نفر را به‌عنوان ضد ولایت، ضد بصیرت، ضد چه، مشخص کنید، بعد یک عده‌ای راه بیفتند علیه او شعار بدهند، مجلس را به هم بزنند، بنده با این کارها هم مخالفم؛ این را من صریح بگویم. این کارهائی که در قم اتفاق افتاد، بنده با اینجور کارها مخالفم. آن کارهائی که در مرقد امام اتفاق افتاد، بنده با اینجور کارها مخالفم.۱۳۹۱/۱۱/۲۸

✓ **وحدت و خلوص**

یک سؤال دیگر این است که بعضی‌ها می‌گویند وحدت، بعضی‌ها میگویند خلوص؛ شما چه میگوئید؟ من میگویم هر دو. خلوص که شما مطرح می‌کنید - که ما بایست از فرصت استفاده کنیم و حالا که غربال شد، یک عده‌ای را که ناخالصی دارند، از دایره خارج کنیم - چیزی نیست که با دعوا و کشمکش و گریبان این و آن را گرفتن و با حرکت تند و فشارآلود به وجود بیاید؛ خلوص در یک مجموعه که اینجوری حاصل نمی‌شود؛ ما به این، مأمور هم نیستیم. در صدر اسلام، خوب، با پیغمبر اکرم یک عده بودند؛ سلمان بود، اباذر بود، ابیّ‌بن‌کعب بود، عمار بود، کی بود، کی بود؛ این‌ها درجه‌ی اول و خالص‌ترینها بودند؛ عده‌ای دیگر از این‌ها یک مقداری متوسطتر بودند؛ یک عده‌ای بودند که گاهی اوقات پیغمبر حتّی به این‌ها تشر هم میزد. اگر فرض کنید پیغمبر در همان جامعه‌ی چند هزار نفری - که کار خالص‌سازی خیلی آسانتر بود از یک جامعه‌ی هفتاد میلیونی کشور ما - میخواست خالص‌سازی کند، چه کار میکرد؟ چی برایش میماند؟ آن که یک گناهی کرده، باید میرفت؛ آن که یک تشری شنفته، باید میرفت؛ آن که در یک وقتی که نباید از پیغمبر اجازه‌ی مرخصی بگیرد، اجازه‌ی

مرخصی گرفته، باید میرفت؛ آن که زکاتش را یک خرده دیر داده، باید میرفت؛ خوب، کسی نمیماند. امروز هم همین جور است. اینجوری نیست که شما بیائید افراد ضعاف‌الایمان را از دائره خارج کنید، به بهانه‌ی اینکه میخواهیم خالص کنیم؛ نه، شما هرچه می‌توانید، دائره‌ی خلّصین را توسعه بدهید؛ کاری کنید که افراد خالصی که می‌توانند جامعه‌ی شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند؛ این خوب است. از خودتان شروع کنید؛ دور و بر خودتان، خانواده‌ی خودتان، دوستان خودتان، تشکل خودتان، بیرون از تشکل خودتان. هرچه می‌توانید، در حوزه‌ی نفوذ تشکل خود، برای بالا آوردن میزان خلوصهای فردی و جمعی تلاش کنید؛ که نتیجه‌ی آن، خلوص روزافزون جامعه‌ی شما خواهد شد. راه خالص کردن این است. وحدت هم که ما گفتیم - که بعد سؤالات دیگری هم در این زمینه شده - منظور من اتحاد بر مبنای اصول است. بنابراین وحدت با کیست؟ با آن کسی که این اصول را قبول دارد. به همان اندازه‌ای که اصول را قبول دارند، به همان اندازه ما با هم مرتبط و متصلیم؛ این می‌شود ولایت بین مؤمنین. آن کسی که اصول را قبول ندارد، نشان میدهد که اصول را قبول ندارد یا تصریح می‌کند که اصول را قبول ندارد، او قهراً از این دائره خارج است. بنابراین با این تفصیل و توضیحی که عرض شد، هم طرفدار وحدتیم، هم طرفدار خلوصیم.[۱۳۸۹/۰۵/۳۱]

- ✓ **قاطع ملت ایران بسیجی‌اند!**

پایه‌ی فکری، در درجه‌ی اوّل، آن احساس مسئولیّت است که این عقبه‌ی فکریِ بسیار مستحکمی است برای شما که میخواهید در عرصه‌ی بسیج حرکت بکنید، و شرط لازم که پایه‌ی دوّم محسوب می‌شود، بصیرت است؛ از این دو چیز یک لحظه نباید غفلت کرد. آن احساس مسئولیّت - یعنی برای خدا، صَبراً وَ احتِساباً؛ پروردگارا، من این کشف علمی را می‌کنم، این مطالعه را می‌کنم، این کار هنری را خلق می‌کنم، این مبارزه را می‌کنم، این عمل اقتصادی را انجام میدهم، این کمک را به زید می‌کنم، این مبارزه را با عَمرو می‌کنم، برای تو؛ چون از من مسئولیّت خواسته‌ای - این احساس مسئولیّت

و احساس تعهّد الهی؛ بعد هم آگاهی: بدانیم کجا هستیم، جای ما کجا است، جای دشمن کجا است، دشمن کیست، با دشمن با چه سلاحی باید مبارزه کرد. این هم رکن دوّم. با این نگاه، هم دایره‌ی بسیجیان مشخّص می‌شود، هم عرصه‌های فعّالیّت بسیج روشن می‌شود. امّا دایره‌ی بسیجیان. بسیجی کیست؟ هر کسی که در این بستر اعتقادی و انسانی که عرض کردیم، به فعّالیّت مشغول است، بسیجی است...آنهایی که نظام اسلامی و جمهوری اسلامی را تهدید می‌کنند که ما چنین می‌کنیم، چنان می‌کنیم بدانند: جمهوری اسلامی به برکت تفکّر بسیجی و عمل و حرکت بسیجی شکست‌ناپذیر است. هر فرد ایرانی بالقوّه یک بسیجی است، مگر عدّه‌ی معدودی که یا دچار خودپرستی‌اند یا دچار شهوت‌پرستی‌اند یا دچار پول‌پرستی‌اند یا دستشان زیر سنگ دشمن است، آن‌ها را میگذاریم کنار؛ معدودند، زیاد نیستند. اکثریّت قاطع ملّت ایران بالقوّه بسیجی‌اند؛ دلیل شکست‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی این است. منتها باید حواسّ همه جمع باشد؛ امتحان همیشه هست، برای همه هست؛ حرکت نباید سست بشود؛ جهت حرکت اشتباه نباید بشود؛ جهت حرکت به سمت استکبار است، مقابله‌ی با استکبار است.[۱۳۹۳/۰۹/۰۶]

- ✓ **مراقبت از اعتماد عمومی و امید به آینده**

مطالبه‌گری و کنش‌گری ما نباید باعث القا ناامیدی در جامعه شود. گاهی اوقات ما در مطالبه‌گری خود چنان نقاط سیاه و بلکه خاکستری کوچک را برجسته می‌کنیم که انگار تمام ساختار سیاه و گرفتار بن بست است. برعکس این رویه ما باید به‌گونه‌ای پا در میدان مطالبه‌گری بگذاریم که امید به اصلاح و آینده روشن در دل جامعه زنده شود. مقام معظم رهبری در این خصوص در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به جوانان آورده‌اند: «نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسیِ همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، امّا خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و

برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال -و اکنون مانند همیشه- سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعّال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش -که به برخی از آن‌ها اشاره شد- در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست و دل‌های امین و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.(بیانیه گام دوم انقلاب)

آرمان‌خواهی

✓ آرمان‌گرایی را رها نکنید!

اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به‌وجود خواهد آمد. برآیند آرمانگرایی شما و چالش مسؤولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صددرصد با واقعیت‌ها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان

شد، آن‌وقت همه چیز به‌هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد.[۱۳۸۲/۰۸/۱۵]

- ✓ **آرمان‌گرایی در همه‌ی زمینه‌ها باید زنده بماند!**

آرمان‌گرائی، هم در سیاست، هم در همه‌ی صحنه‌های دیگر - مثل آرمان‌گرائی در علم - باید مورد توجه باشد. آرمان‌گرائی در علم، یعنی در زمینه‌ی مسائل علمی باید دنبال قله بود؛ که این، توجه شما را به درس خواندن و خوب درس خواندن باید نتیجه بدهد... در زمینه‌ی معنویت و اخلاق هم باید آرمان‌گرا بود... آرمان‌گرائی در معنویت و اخلاق هم یک امر معتبری است؛ مثل آرمان‌گرائی در سیاست، مثل آرمان‌گرائی در علم و در همه‌ی امور زندگی.[۱۳۹۵/۰۵/۱۶]

- ✓ **آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است نه واقع‌گرایی**

یک عدّه‌ای تبلیغ می‌کنند و وانمود می‌کنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیّتی -هرچه تلخ، هرچه بد- باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت‌ها و آن‌ها را درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیات‌های سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است. چشمتان به آرمان‌ها باشد. [۱۳۹۴/۰۴/۲۰]

- ✓ **نسبت آرمان‌گرایی با واقعیت‌گرایی**

نسبت آرمان‌ها با واقعیت‌هائی که وجود دارد، چیست؟ مثلاً فرض بفرمائید تحریم. تحریم یک واقعیتی است. خب، یکی از آرمانهای ما پیشرفت اقتصادی کشور است، از آن طرف هم واقعیتی وجود دارد به نام تحریم. یا در مسائل گوناگون سیاسی؛ در انتخابات، در غیره، غیره. آنچه که من می‌توانم عرض کنم، این است که ما آرمان‌گرائی را صددرصد تأیید می‌کنیم، دیدن واقعیت‌ها را هم صددرصد تأیید می‌کنیم.

آرمان‌گرائی بدون ملاحظه‌ی واقعیت‌ها، به خیال‌پردازی و توهّم خواهد انجامید. وقتی شما دنبال یک مقصودی، یک آرمانی حرکت می‌کنید، واقعیت‌های اطراف خودتان را باید بسنجید و بر طبق آن واقعیت‌ها برنامه‌ریزی کنید. بدون دیدن واقعیت‌های جامعه، تصور آرمان‌ها خیلی تصور درست و صحیحی نخواهد بود، چه برسد به دستیابی به آرمان‌ها. اگر بخواهیم مثال بزنیم، باید بگوییم آرمان‌ها مثل قله‌اند. کسانی که اهل گردش در کوهستان و رفتن به سمت قله‌ها هستند، قله را درست تصور می‌کنند. رسیدن به قله، یک آرمان است؛ آرمان‌ها را به این تشبیه کنید. انسان دوست می‌دارد به آن قله برسد. وقتی شما این پائین هستید، دوست می‌دارید بروید و برسید به آن نقطه‌ی اوج و ستیغ این بلندی و ارتفاع؛ منتها واقعیتی وجود دارد؛ اگر بی‌توجه به این واقعیت بخواهید این کار را بکنید، نیروی خودتان را هدر می‌دهید؛ آن واقعیت این است که راه رسیدن به این قله، این نیست که شما جلوی چشمت مشاهده می‌کنی که حالا اینجا قله است، این هم دامنه است، بگیر و برو بالا؛ اینجوری نیست، راه دارد. اگر چنانچه شما بی‌احتیاطی کردید، همینی که جلوی چشم شما است، دامنه را گرفتید رفتید بالا، قطعاً به نقاطی خواهید رسید که نه راه پیش رفتن دارید، نه راه عقب آمدن. این‌هایی که اهل رفتن به کوه و گردش در کوهستان هستند، چنین چیزی برایشان پیش می‌آید؛ برای بنده هم پیش آمده. وقتی انسان بدون آشنایی با راه حرکت می‌کند، به نقطه‌هایی می‌رسد که راه جلو رفتن و عقب ماندن ندارد؛ با زحمت زیاد انسان باید خودش را از مشکل خلاص کند. واقعیت عبارت است از همین راه؛ راه را باید پیدا کرد.[۱۳۹۲/۰۵/۰۶]

- ✓ **احساس انفعال و بن‌بست ممنوع!**

فعال دانشجوئیِ آرمانخواه که واقعیت‌ها را هم می‌شناسد، هرگز نباید در هیچ شرائطی احساس انفعال و بن‌بست کند. یعنی نباید از آرمانخواهی دست برداشت؛ نه در هنگام پیروزی‌های شیرین، نه در هنگام هزیمتهای تلخ. ما در عرصه‌ی دفاع مقدس پیروزی‌های بزرگی داشتیم، هزیمتهای تلخی هم داشتیم. امام (رضوان الله علیه)

سفارش میکردند و میگفتند: نگوئید شکست، بگوئید عدم‌الفتح. یک جا پیروزی نصیب انسان می‌شود، یک جا هم پیروزی نصیب انسان نمیشود؛ چه اهمیتی دارد؟ بعضی‌ها هستند که اگر چنانچه جریان کار بر وفق مرادشان پیش آمد و به نقطه‌ی مورد نظر خودشان رسیدند، از دنبال کردن آرمان‌ها دست میکشند؛ این خطا است. «فاذا فرغت فانصب»[۷]؛ قرآن به ما میگوید: وقتی این کار را تمام کردی، این تلاش را تمام کردی، تازه خودت را آماده کن، بایست برای ادامه‌ی کار. بعضی آنجورند - این اشتباه است - بعضی هم بعکس؛ اگر آنچه که پیش می‌آید، بر طبق خواست آن‌ها نبود، بر وفق مراد آن‌ها نبود، دچار یأس و انفعال و شکست میشوند؛ این هم غلط است؛ هر دو غلط است. اصلاً بن‌بستی وجود ندارد در آرمانخواهیِ صحیح و واقع‌بینانه. وقتی انسان واقعیت‌ها را ملاحظه کند، هیچ چیز به نظرش غیرقابل پیش‌بینی نمی‌آید.۱۳۹۲/۰۵/۰۶

✓ چگونه آرمان‌ها را دنبال کنیم؟

ممکن است کسی بگوید ما این آرمان‌ها را چه‌جوری دنبال بکنیم؟ ما که در کشور اثری نداریم؛ یک عدّه مدیرانی هستند، دارند کار خودشان را می‌کنند، ما هم اینجا شعار می‌دهیم، حرف می‌زنیم. این اشتباه در فهم مسئله است؛ هرگز این‌جوری نیست. دانشجو تصمیم‌ساز است؛ دانشجو گفتمان ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال می‌کنید، میگویید، تکرار می‌کنید و بجد پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می‌کند، این موجب تصمیم‌سازی می‌شود؛ زیدِ تصمیم‌گیر در فلان مرکز تصمیم‌گیریِ مدیریّت کشوری، وقتی که یک چیزی به‌عنوان یک گفتمان درآمد، مجبور می‌شود دنبال بکند. یک نمونه‌ی زنده‌اش همین گفتمان نهضت نرم‌افزاری و احیای حرکت علمی است که مطرح شد، تکرار شد، خوشبختانه استقبال شد و به‌عنوان یک گفتمان درآمد؛ حرکت جامعه براساس آن به‌وجود آمد؛ ده پانزده سال است که ما از لحاظ علمی داریم همین‌طور حرکت می‌کنیم و جلو می‌رویم. در همه‌ی زمینه‌ها

---

[۷] سوره مبارکه الشرح آیه ۷؛ ترجمه: پس هنگامی که از کار مهمّی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز.

همین‌جور است، دانشجو می‌تواند مؤثر باشد. کسی از عزیزان از قول مرحوم شهید بهشتی، نقل کردند که ایشان فرمودند که «دانشجو مؤذّن جامعه است؛ وقتی که خواب بماند، مردم هم خواب می‌مانند»؛ خب، تعبیر خوبی است؛ شما می‌توانید بیدارکننده باشید، می‌توانید گفتمان ساز باشید، به‌هیچ‌وجه تصوّر نکنید که این کارهای دانشجویی شما، کارهای بی‌اثری است.[۱۳۹۴/۰۴/۲۰]

روحیه جهادی

- ✓ **روحیه جهادی را ترجیح دهید!**

روحیّه‌ی جهادی را بر روحیّه‌ی تافته‌ی جدابافته بودن ترجیح بدهید. یکی از خطراتی که گریبان کسانی را که یک امتیازی دارند می‌گیرد، این است که احساس کنند تافته‌ی جدابافته‌اند، احساس کنند یک سر و گردن از همه بالاترند؛ این خطر بزرگی است، این یک خطر شخصیّتی است، یک بیماریِ شخصیّتی است؛ نگذارید این بیماری در شما رشد بکند و راهش هم این است که کار جهادی و روحیّه‌ی جهادی را در خودتان تقویت کنید. روحیّه‌ی جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه‌ی خود دانستن، همه‌ی نیروها را در راهِ کارِ درست به میدان آوردن؛ این روحیّه‌ی جهادی است. برای اینکه این روحیّه‌ی جهادی در شما تقویت بشود، حضورتان در اردوهای جهادی خیلی خوب است. نگویید وقتمان تلف می‌شود؛ نه، بیشترین و بهترین استفاده از وقت همین است. درستان را بخوانید، پژوهشتان را بکنید، کارتان را بکنید، در اردوهای جهادی هم که در دوره‌ی سال، چند هفته‌ای انسان را مشغول می‌کند شرکت کنید.[۱۳۹۴/۰۷/۲۲]

- ✓ **روحیه جهادی یعنی اعتقاد به ما می‌توانیم!**

در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه‌ی جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم. روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این‌که «ما می‌توانیم»؛ و کارِ بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت

وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها. الآن در همین بخش انرژی هسته‌یی که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آن‌جا مشغول کار هستند، جوان‌های تحصیلکرده‌اند؛ صدها جوانِ کم‌سال و تحصیلکرده، این چرخ را می‌چرخانند و این عزت را برای کشور پدید آورده‌اند. در همه‌ی بخش‌ها همین‌طور است. به نیروهای بااستعداد، چه از جوان‌ها باشند و چه از انسان‌های با تجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است.[۱۳۸۴/۱۰/۱۴]

✓ **همت جهادی لازم است!**

باحرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمیشود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها[سیاست‌های اقتصاد مقاومتی] لازم است.[۱۳۹۲/۱۲/۲۰]

✓ **با مدیریت جهادی مشکلات حل می‌شود!**

اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونیِ فشارهای خباثت آمیزِ قدرتهای جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد.[۱۳۹۲/۱۰/۲۳]

✓ **چالش‌های درونی**

چالشهای درونی ما این‌ها است: سرگرم شدن به اختلافات در داخل کشور؛ اختلافات فرعی و اختلافات سطحی، ما را سرگرم بکند، در مقابل هم قرار بدهد، تعارض به‌وجود بیاورد، ما را از مسائل اصلی و از خطوط اصلی غافل بکند؛ این یکی از مصادیق آن چالش اصلی است که عرض شد. از دست دادن انسجام ملت از چالشهای ما است. دچار شدن به تنبلی و بی‌روحیگی، دچار شدن به کم‌کاری، دچار شدن به یأس و ناامیدی، تصور اینکه ما نمیتوانیم، تصور اینکه تا حالا نتوانستیم؛ نخیر، همان‌طور که امام فرمودند ما می‌توانیم، باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی می‌تواند

همه‌ی این گره‌ها را باز کند. این‌ها همه، آن چالشهای درونی ما است که باید با این‌ها مقابله کنیم.[۱۳۹۳/۰۳/۱۴]

- ✓ **عامل مهم مدیریت جهادی**

عامل مهم مدیریت جهادی عبارت است از خودباوری و اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی...در همه‌ی کارها توکل به خدای متعال و استمداد از کمک الهی [کنیم]؛ به کمکهای الهی اعتماد کنیم. [وقتی]شما از خدای متعال کمک میخواهید، راه‌ها به‌سوی شما باز می‌شود: و من یتق الله یجعل له مخرجا ، و یرزقه من حیث لایحتسب. این رزقی که در این آیه و در آیات دیگر گفته شده است، به شکل‌های مختلفی به من و شما می‌رسد؛ گاهی شما ناگهان در ذهنتان یک چیزی برق می‌زند، می‌درخشد، راهی باز می‌شود؛ این رزق الهی است؛ در یک برهه‌ی فشار، ناگهان یک امید وافری در دل شما به‌وجود می‌آید؛ این همان رزق الهی است.[۱۳۹۳/۰۲/۱۰]

دشمن شناسی

- ✓ **لزوم شناخت دشمن**

ما با برخورد غیرخردمندانه در همه‌ی عرصه‌ها مخالفیم؛ ما معتقدیم در همه‌ی عرصه‌ها، در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، در همه‌ی جهت‌گیری‌های جمعی و فردی باید با درایت و حکمت عمل کرد. اگر صحنه را نشناسیم، اگر دوست را نشناسیم، دشمن را نشناسیم، اگر امروز نظام سلطه را نشناسیم، استکبار را نشناسیم، چطور می‌توانیم با حکمت و درایت حرکت کنیم؟ چطور می‌توانیم درست برنامه‌ریزی کنیم؟ لذا باید بشناسیم.[۱۳۹۲/۰۸/۲۹]

- ✓ **با تفکر و تعمق دشمن را بشناسید!**

عزیزان من! از سطحی‌اندیشی به‌شدت پرهیز کنید... هر حرفی را که می‌شنوید، رویش فکر و دقت کنید. چرا در اسلام هست که: «تفکر ساعۀ خیر من عبادۀ سبعین سنه»؛ یک ساعت فکر کردن، ارزشش از عبادت سال‌ها بیشتر است؛ به‌خاطر این‌که اگر شما

فکر کردید، عبادتتان هم معنا پیدا می‌کند؛ تلاش سازندگیتان هم معنا پیدا می‌کند؛ مبارزه‌تان هم معنا پیدا می‌کند؛ دوستتان را می‌شناسید، دشمنتان را هم می‌شناسید. شما فرض کنید در یک جبهه‌ی جنگی آدم‌هایی پیدا شوند که جبهه‌ی خودی را از جبهه‌ی دشمن تشخیص ندهند - حیران و سرگردان دور خودشان بچرخند - گاهی این‌جا تیر بزنند، گاهی آن‌جا تیر بزنند؛ گاهی بالا تیر بزنند، گاهی به خودشان تیر بزنند! ببینید فکر که نباشد، آدم این‌طوری می‌شود. عده‌ای می‌خواهند در های‌وهوی فریادها و شعارها و رنگ و روغن‌ها و رنگ و لعاب‌های دروغین، مجموعه‌ی دانشجویی را به این سمت بکشانند. این برای جنبش و حرکت دانشجویی خطر است. باید فکر کرد. با فکر، انتخاب، انتخاب درستی خواهد بود. اگر در انتخاب اشتباه هم بکند، چنانچه انسان اهل فکر باشد، با او راحت‌تر می‌شود حرف زد. آن آدمی که اهل فکر نیست، هرگونه انتخابی بکند، اگر اندک خطایی در آن باشد، نمی‌شود با او حرف زد و منطقی صحبت کرد؛ تسلیم تعصب‌ها و ندانستن‌ها و جهالت‌های خودش است؛ اما وقتی اهل فکر و دقت بود، اگر خطایی هم اتفاق افتاده باشد، یک نفر آدم خیرخواه می‌تواند با او حرف بزند و بگوید به این دلیل، این کار خطاست. نباید سطحی بود. به هر شعاری، به هر حرف گرمی، به هر دهان گرمی و به هر نقلی، نمی‌شود اعتماد کرد؛ باید فکر کرد. اساس قضایا فکر است. آن چیزی که انتظار عمده از انسان‌های فرزانه و هوشمند است، این است.[۱۳۷۸/۰۹/۰۱]

- ✓ **هنر شناخت دشمن است!**

دشمنان بیکار نمی‌نشینند، نقشه می‌کشند؛ هنر این است که نقشه و توطئه‌ی دشمن را، نقطه‌ای را که آماج حمله‌ی دشمن است، بشناسیم و برای مواجهه و مقابله‌ی با او، برای خنثی کردن کار دشمن، طرح، انگیزه و فکر داشته باشیم.[۱۳۹۵/۰۸/۲۶]

✓ **بدانید دشمن چگونه تقویت می‌شود!**

جوانان عزیز ما متوجه جریان فرهنگی‌ای که می‌خواهند راه بیندازند، باشند؛ یعنی تزریق لاابالیگری و اباحیگری و کشاندن به هرزگی و بی‌اعتنایی به اخلاق منضبط دینی و اسلامی. هم جوانان، هم مسؤولان علمی، هم آموزش و پرورش و هم کسانی که به مسائل جوانان می‌پردازند باید مراقب این موارد باشند. امروز مبارزه با امریکا این‌جاهاست. مبارزه با امریکا در میدان علم هم صدق می‌کند. آن‌جا هم از این‌که پیشرفت علمی داشته باشیم، ناراحتند. از پیشرفت علمی مردم ما ناراحتند؛ از پیشرفت اقتصادی مردم ما ناراحتند؛ از این‌که دولت بتواند خدمتی به مردم بکند و گره‌ای از مشکلات مردم باز شود، ناراحتند. هر کس به عقب‌ماندگی علمی کمک کند، به نفع امریکا کار کرده است. هر کس کمک کند به این‌که دولت نتواند خدمات لازم را انجام دهد - چه قوه‌ی مجریه، چه قوه‌ی قضاییه و چه قوه‌ی مقننه - برای امریکا و در خدمت امریکا کار کرده است. هر کس فکرها و نظرات امریکاییها را در روزنامه‌ها و تریبونها بیان کند، به نفع امریکا کار کرده است. یکی از کارهای آن‌ها شایعه‌پراکنی و تهمت‌زنی است. عینا همان کاری که در زمان امیرالمؤمنین می‌کردند؛ هر روز یک شایعه، یک تهمت و یک جنگ روانی. هر کس فضای تهمت‌زنی در داخل کشور و جنگ روانی علیه نظام را تقویت و تشدید کند، مزدور امریکاست و برای امریکا کار کرده است؛ چه از امریکا پول بگیرد، چه نوکر بی‌مزد و مواجب امریکا باشد. امروز مبارزه با امریکا عبارت است از مقاومت در مقابل این جریان‌سازی سیاسی و فرهنگی. همه، حواسشان جمع باشد. آدم‌هایی که غرض و سوءنیتی ندارند، مواظب باشند به‌خاطر یک انگیزه و احساس زودگذر حرفی نزنند که در جهت خواستهای امریکا و علیه این ملت و این کشور تمام شود. بدانند دشمن چگونه تقویت می‌شود و از چه راههایی دست و پای خود را باز و علیه این ملت اقدام می‌کند.[۱۳۸۲/۰۸/۲۳]

✓ مهم‌تر از شناخت دشمن!

مهمتر از شناختن دشمن، شناختن دشمنی و روش دشمنی کردن اوست. اگر انسان بداند دشمن از چه راهی وارد می‌شود، حواس خود را جمع خواهد کرد. همه، دشمن را می‌شناسند. امروز دشمن ملت ایران و دشمن استقلال و آزادی او، دولت استکباری و متکبر امریکاست. در این شکی نیست؛ به این موضوع، خودشان هم اعتراف می‌کنند. البته گاهی چاپلوسانه و ریاکارانه می‌گویند ما با ملت ایران مخالف نیستیم؛ اما اتفاقا مخالفت اصلی آن‌ها با ملت ایران است؛ چون ملت ایران است که این قیام عظیم را به راه انداخت؛ ملت ایران است که این پشتیبانی صادقانه و غیرتمندانه را از اسلام می‌کند؛ ملت ایران است که موجب شده امریکا نتواند طمع بورزد؛ والا اگر ملت ایران پشتیبان نظام و مسؤولان نبود، مگر مسؤولان می‌توانستند در مقابل این زیاده‌خواهیها بایستند؟ ما این دشمن را می‌شناسیم؛ اما روش دشمنی را هم باید شناخت. امروز روش دشمنی، ایجاد اختلاف و نفرت و کینه میان آحاد مردم است؛ ایجاد دلسردی نسبت به آرمانهای اسلامی است؛ منحرف کردن شعارهای مردم و طرح شعارهایی است که با حرکت عظیم مردم هیچ همخوانی ندارد.[۱۳۸۱/۰۹/۰۱]

پرهیز از سیاسی‌کاری

✓ سیاسی‌کاری ممنوع!

بنده طرفدار این هستم که جوانها در جریان مسائل سیاسی کشور قرار بگیرند و بتوانند تحلیل کنند. البته سیاسی‌کاری، سیاست‌بازی و آلت دست این حزب و آن حزب شدن را بنده برای جوان نمی‌پسندم؛ این‌ها برای جوان هیچ شرف و افتخاری ایجاد نمی‌کند.[۱۳۸۳/۱۲/۲۴]

✓ درک سیاسی و تحلیل سیاسی

بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتّی دانش‌آموزان مدارس - روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن

دستهایی را که تلاش کرده‌اند و میکنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمیفهمند، جریانهای سیاسی دنیا را نمیفهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری میتواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند!؟ بله؛ اگر حکومت استبدادی باشد، میشود. حکومتهای مستبد دنیا، صرفه‌شان به این است که مردم سیاسی نباشند؛ مردم درک و تحلیل و شعور سیاسی نداشته باشند. اما حکومتی که میخواهد به دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد؛ نظام را میخواهد با قدرت بیپایان مردم به سر منزل مقصود برساند و مردم را همه چیز نظام میداند، مگر مردمش - بخصوص جوانان، و بالاخص جوانانِ دانشجویش - میتوانند غیر سیاسی باشند!؟ مگر میشود!؟ عالِمترین عالِمها و دانشمندترین دانشمندها را هم، اگر مغز و فهم سیاسی نداشته باشند، دشمن با یک آبنبات تُرش میتواند به آن طرف ببرد؛ مجذوب خودش کند، و در جهت اهداف خودش قرار دهد! این نکات ریز را، باید جوانان ما درک کنند...دانشجو باید احساس سیاسی، درک سیاسی و تحلیل سیاسی داشته باشد.[۱۳۷۲/۰۸/۱۲]

- ✓ **تحلیل سیاسی آری؛ سیاست بازی نه!**

محیط علمی کشور را از حاشیه‌سازی‌ها برکنار نگه دارید. اشتباه نشود؛ من نمیگویم در دانشگاه‌ها سیاست نباشد -شاید خیلی‌ها یادشان است که من سال‌ها پیش در همین جلسه‌ی ماه رمضان در حضور اساتید، تعبیر تندی کردم نسبت به آن کسانی که می‌خواستند دست‌وپای سیاست را از دانشگاه‌ها و میان دانشجوها جمع کنند که مایه‌ی گله‌ی خیلی‌ها شد- نه، بنده معتقدم محیط دانشگاه، محیط فهم سیاسی، تحلیل سیاسی، دانش سیاسی، آگاهی سیاسی است؛ این را من مانع نیستم؛ نه، [بلکه میگویم] سیاست‌بازی نشود، سیاسی‌کاری نشود، حاشیه‌سازی نشود. این حاشیه‌سازی‌ها به کار اصلی که عبارت است از کار علم و پیشرفت علم با همه‌ی خصوصیّاتی که این مسئله دارد، لطمه میزند.[۱۳۹۴/۰۴/۱۳]

✓ **سهم مهلک!**

من خواهش می‌کنم از مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان گوناگون مدیریّتی که دانشگاه را مرکز جوَلان سیاسی و تلاش‌ها و فعّالیّت‌های جناح‌های سیاسی قرار ندهید. سمّ مهلک حرکت علمی این است که دانشگاه‌ها تبدیل بشوند به باشگاه‌های سیاسی؛ کاری که در یک دوره‌ای انجام گرفت. این به‌معنای نفی حرکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه‌ها نیست؛ بنده همیشه مدافع و منادی کار سیاسی دانشجوها و دانشگاهیان بوده‌ام و هستم - الان هم معتقدم - منتها نگاه سیاسی، مَشرب سیاسی، فهم سیاسی و فعّالیّت سیاسی داشتن، یک حرف است و دانشگاه را و کلاس درس را و محیط علمی را جولانگاه کار سیاسی قرار دادن، یک حرف دیگری است؛ این‌ها با همدیگر تفاوت دارد. آرامش دانشگاه کمک‌کننده‌ی به این است که دانشگاه بتواند در زمینه‌ی مسائل علم - که این‌همه اهمّیّت دارد - کار خودش را انجام بدهد، وظیفه‌ی خودش را انجام بدهد، و اگر خدای نکرده عکس این بشود، اوّلین ضربه‌ای که خواهیم خورد، این است که حرکت علمی در دانشگاه و به تبع آن در کشور متوقّف خواهد شد، یا کند خواهد شد؛ و عرض کردیم توقّف، به‌معنای عقب‌گرد است.[۱۳۹۳/۰۴/۱۱]

یادداشت

در نوشته‌ای که پیش‌رو دارید تلاش شده است پس از مروری بر مبانی مطالبه‌گری در روایات معصومین و گفتمان انقلاب اسلامی، به صورت عملیاتی مدلی برای مطالبه‌گری ارائه شود تا ان‌شاالله جوانان و دانشجویانی که دغدغه مطالبه‌گری دارند بتوانند به شکلی کارآمد به مطالبه گری بپردازند و تلاش‌هایشان را تا حصول به نتیجه جهت دهی نمایند.

@gharargahmelli
fesadsetiz.ir